



سال دوازدهم • بهار و تابستان ۱۴۰۵ • شماره ۲۴

Biannual Journal of Islamic Psychology
Vol. 12, No. 24, Spring & Summer 2026

مؤلفه‌های دوستی بر اساس منابع اسلامی: تحلیل محتوای کیفی

* محمدصادق خوشنویس

** محمدرضا احمدی

*** محمدرضا نجفی

 10.22034/psy.2026.52215.1510

چکیده

دوستی به عنوان یکی از اساسی‌ترین روابط انسانی، نقشی کلیدی در بهزیستی روان‌شناختی دارد. با وجود تأکید منابع اسلامی، نبود مؤلفه‌های منسجم، کاربرد این آموزه‌ها را محدود کرده است. این پژوهش با هدف تدوین مؤلفه‌های دوستی در منابع انجام شد. این مطالعه بنیادی با استفاده از رویکرد کیفی و به روش تحلیل محتوای کیفی انجام شد. پس از تدوین مدل اولیه، روایی محتوایی آن با نظر ۹ کارشناس و شاخص روایی محتوا و همچنین با شاخص تأیید شد. یافته‌ها نشان داد مفهوم دوستی سازه‌ای سه بعدی شامل ابعاد شناختی، عاطفی و رفتاری است: بعد شناختی شامل ایمان، تعقل، سنخیت و اخلاق‌مداری که پایه فکری و ارزشی رابطه می‌باشد؛ بعد عاطفی شامل محبت، وفاداری، دلسوزی، خیرخواهی و همدلی که عمق و پایداری رابطه را تقویت می‌کند؛ بعد رفتاری شامل صداقت، حمایت، سازگاری، انصاف، حسن خلق، صبر و فروتنی و پایداری که نمود عینی دو بعد دیگر است. این پژوهش، دوستی را فرآیندی آگاهانه و مسئولانه برای تعالی متقابل معرفی کرده و چارچوبی نظری برای تحلیل و ارتقای روابط دوستانه از منظر روان‌شناسی اسلامی مثبت‌گرا ارائه می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: دوستی، مؤلفه‌ها، منابع اسلامی، روان‌شناسی اسلامی.

* کارشناسی ارشد روان‌شناسی، مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت، قم، ایران (نویسنده مسئول: m.s.psychologist110@gmail.com)

** دانشیار گروه روان‌شناسی، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم، ایران

*** کارشناسی ارشد روان‌شناسی، مؤسسه آموزش عالی اخلاق و تربیت، قم، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۷/۲۲؛ تاریخ پذیرش ۱۴۰۵/۰۵/۱۶

روابط اجتماعی از جمله موضوعات بنیادین در تمامی نظام‌های فکری، قوانین بشری و تعالیم الهی به‌شمار می‌روند. در مکتب اسلام که ماهیتی اجتماعی دارد، این موضوع از اهمیتی ویژه برخوردار است. انسان به‌عنوان موجودی که در بستر جامعه رشد می‌یابد و زندگی می‌کند، نمی‌تواند جدای از شبکه روابط اجتماعی‌اش بررسی شود. این دیدگاه در کلام حکیمان و فیلسوفان اسلامی و غربی نیز بازتاب یافته است که انسان را به‌عنوان موجودی «ذاتاً اجتماعی» توصیف کرده‌اند (مطهری، ۱۳۷۸، ص ۱۱۲). با توجه به تنوع محیط‌های زندگی انسان، پیچیدگی و پویایی پیوندهای اجتماعی، و ضرورت تعامل و همکاری با خویشاوندان، آشنایان و حتی افراد غریبه، انسان نیازمند یادگیری مداوم برای تسلط بر پیچیدگی‌های جهان اجتماعی است (اسمیت و هارت، ۲۰۰۲^۱، ص ۵۶). در این میان، دوستی به‌عنوان یکی از اصیل‌ترین و مؤثرترین راه‌های اجتماعی شدن شناخته می‌شود. دوستی تجربه‌ای مشترک در میان همه انسان‌هاست و به‌عنوان یکی از نیازهای اساسی زندگی، با سرنوشت و آینده فرد پیوندی عمیق دارد (مدرسی، ۱۳۸۴، ص ۲۳). حضور دوستان در زندگی، توانایی فرد در مواجهه با چالش‌ها و دستیابی به اهداف را تقویت می‌کند. این گرایش به دوستی و مهرورزی، ریشه در روح جمعی انسان دارد که او را به‌سوی برقراری روابط دوستانه سوق می‌دهد. به بیان دیگر، نیاز به دوستی در عمق وجود انسان نهفته است و ازاین‌رو دوستی نه تنها یک نیاز فردی، بلکه یک ضرورت اجتماعی نیز محسوب می‌شود (محدثی، ۱۳۹۳، ص ۹). این نیاز در تمامی مراحل زندگی، به‌جز شاید در دوران اولیه نوزادی دیده می‌شود (روبین، ۲۰۰۹^۲، ص ۲۱۷). تقریباً همه افراد در طول زندگی خود روابط دوستانه‌ای با دیگران برقرار می‌کنند (هارتاپ، ۱۹۹۶، ص ۷۸)، حتی کودکان نیز از اهمیت دوستان آگاه‌اند و می‌دانند که برای یافتن و حفظ دوستان، باید مهارت‌های تعامل اجتماعی را به‌خوبی بیاموزند (روبین، ۲۰۰۹، ص ۲۸۲). از حدود ۹ سالگی، کودکان مفاهیمی چون همدلی، حمایت دوجانبه و به اشتراک‌گذاری منافع را به‌عنوان هسته اصلی دوستی درک می‌کنند (گروسک و لیتون، ۱۹۸۸^۴، ص ۲۵۱). اکثر کودکان و نوجوانان تمایل دارند در روابط دوستانه مشارکت کنند و گروهی از همسالان را

1. Smith, M. & Harte, C.

2. Rubin, K. H.

3. Hartup, W.

4. Grusec, J. E. & Lytton, H.

به عنوان دوستان خود می‌شناسند.

درحقیقت، دوستی هم یک نیاز ذاتی فردی و هم یک ضرورت برای حیات اجتماعی انسان است؛ از این رو لازم است مؤلفه‌ها و عناصر اصلی این مفهوم از منابع اسلامی استخراج و تبیین شود تا چارچوب و حدود آن روشن گردد. با روشن شدن این مفهوم، می‌توان روابط اجتماعی را بر اساس آن تحلیل و حتی آسیب‌شناسی کرد. از منظر اسلام، در یک سبک زندگی مطلوب، روابط اجتماعی جایگاه ویژه‌ای دارند؛ چنان‌که خداوند در آیه ۱۳ سوره حجرات می‌فرماید: «ای مردم! ما شما را از یک مرد و زن آفریدیم و شما را به صورت ملت‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید».

انسان به عنوان موجودی اجتماعی، ناگزیر از برقراری روابط دوستانه است که نقش تعیین‌کننده‌ای در سرنوشت، موفقیت یا ناکامی او ایفا می‌کند. قرآن کریم به عنوان کتاب هدایت، با ارائه ضوابط و شرایطی برای مفهوم دوستی، بر اهمیت آن تأکید دارد (فرقان: ۲۸)، و تفسیر علامه



طباطبایی نشان می‌دهد که دوست، فردی است که به صورت قهری بر تصمیمات و رفتار فرد تأثیر می‌گذارد (طباطبایی، ۱۳۷۱، ج ۱۵، ص ۲۰۴). روایات اسلامی، از جمله از حضرت علی (ع) نیز با تأکید

۲۱۳

بر انتقال ناخودآگاه صفات منفی در دوستی با افراد ناشایست، انتخاب دوست صالح را برای رشد اخلاقی و معنوی ضروری می‌دانند. فهم مفهوم دوستی در منابع اسلامی برای تنظیم‌گری روابط اجتماعی در دنیای معاصر حیاتی است. این فهم، با تعیین حدود و مرزهای ارتباطات، از بروز چالش‌های اخلاقی، اجتماعی، خانوادگی و سیاسی پیشگیری می‌کند، به‌ویژه در دوره نوجوانی و جوانی که دوستی با همسالان تأثیر عمیقی بر رشد یا آسیب‌پذیری افراد دارد. تبیین مؤلفه‌های دوستی از منظر اسلامی می‌تواند به هدایت رفتارها و تقویت ارزش‌های اخلاقی منجر شود. تأثیر همسالان در شکل‌گیری شخصیت و رفتار، به‌ویژه در دوره‌های حساس نوجوانی، در منابع اسلامی و مطالعات غربی تأیید شده است. تحقیقات نشان می‌دهند که جوانان تحت فشار گروه همسالان ممکن است رفتارهایی مغایر با ارزش‌های خانوادگی نشان دهند (هریس، ۲۰۰۹، ص ۱۲۵؛ آروبو و تسیگلر، ۱۹۹۵، ص ۱۷۸). این تأثیرپذیری که گاه به انحرافات اجتماعی منجر می‌شود، ضرورت ارائه چارچوبی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی برای هدایت روابط دوستانه را برجسته می‌کند.

جهان معاصر با تنوع فرهنگی و اجتماعی، چالش‌هایی را در روابط دوستانه ایجاد کرده است. ارائه مؤلفه‌های دوستی مبتنی بر منابع اسلامی، چارچوبی نظری برای تحلیل و ارتقای این روابط فراهم می‌کند. این مدل، با جهت‌دهی به رشد اجتماعی افراد، به‌ویژه از طریق آموزش‌های رسمی، به تحقق الگوی اسلامی تعالی یافته کمک کرده و کیفیت ارتباطات انسانی را در عرصه‌های عمومی و خصوصی بهبود می‌بخشد.

با وجود اینکه منابع اسلامی پر از مفاهیم مرتبط با موضوع دوستی است، ولی به‌رغم وجود کتاب‌ها و مقالات در این زمینه، نه‌تنها هنوز برای مفهوم «دوستی» یک مدل جامع و منسجم که در مسائلی تربیتی راهگشا باشد، تولید نشده است، بلکه مواردی هم که به این موضوع پرداخته شده است، جامعیت لازم را در بررسی منابع اسلامی ندارد. خلأ چنین نظریاتی در نظام تربیت عمومی که عهده‌دار تربیت است، بیشتر به چشم می‌آید. مقاله حاضر با هدف رفع این کمبود، گام در این راه گذاشته و حاصل تحقیق ارائه «مؤلفه‌های دوستی در منابع اسلامی» می‌باشد که ترویج آن، نقش مؤثری در تسهیل و بهبود رشد اجتماعی نسل نو خواهد داشت.

روش پژوهش

در این پژوهش جهت تحلیل داده‌های دینی از روش تحلیل محتوای کیفی سیه و شانون^۱ و جهت روایی‌یابی از روش پیمایشی استفاده شده است. تحلیل محتوای کیفی را می‌توان روش تحقیقی برای تفسیر محتوایی داده‌های متنی از طریق فرآیندهای طبقه‌بندی نظام‌مند، کدگذاری، مضمون‌سازی یا طراحی الگوهای شناخته شده دانست (سیه و شانون، ۲۰۰۵).

جامعه مطالعاتی در بخش کیفی پژوهش قرآن کریم و کلیه منابع حدیثی با درجه‌بندی الف و ب (طباطبایی، ۱۳۸۳، ص ۲۶۵ - ۲۸۶) بوده که البته گاهی برای تبیین بیشتر از برخی روایات و کتب درجه ج نیز استفاده شده است. شیوه نمونه‌گیری به صورت هدفمند بوده که با تعیین واحد تحلیل متناسب با حوزه دوستی دینی تا حد اشباع داده‌ها ادامه یافته است (محمدپور، ۱۳۹۸، ص ۲۸۶).

جامعه آماری در بخش روایی‌یابی متشکل از کارشناسان خبره دارای تحصیلات هم‌زمان حوزوی (سطح سه و چهار) و دانشگاهی (دکتری یا دانشجوی دکتری) بود. نمونه‌گیری در تمامی مراحل به شیوه غیرتصادفی هدفمند انجام شد. همچنین بر اساس معیار لین (۱۹۸۶)، به نقل از: عباسی،

۱۳۹۷، ص ۱۳۳) ۹ نفر از متخصصان واجد شرایط از مراکز علمی معتبر (پژوهشگاه جامعه المصطفی، پژوهشگاه قرآن و حدیث، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام، مؤسسه اخلاق و تربیت) انتخاب شدند و جهت تطبیق یافته‌ها با آموزه‌های اسلامی نظرات آنان اخذ شده و با استفاده از دو شاخص CVI با نتیجه ۰/۹۸ و CVR با نتیجه ۰/۹۷ تحلیل شده است.

پس از بررسی و استخراج مفاهیم اولیه و مراجعه به بیش از ۱۵ معجم معتبر زبان عربی، حوزه معنایی دوستی ترسیم و ۱۵ گروه واژه مرتبط (صاحب، قرین، صدیق، خلیل، خلیط، حبیب، ولی، أخ، إخوان، ودود، رفیق، بطانة، ولیجه، اخدان، جلیس) شناسایی شد و سپس با این واژه در منابع اسلامی به جست‌وجو پرداخته شد. در نهایت مجموع مستندات مرتبط با دوستی شناسایی شد و در جست‌وجوی اولیه مجموع آیات و روایات، ۱۶۲۳۸ (روایت یا فقره روایت) به دست آمده که تعداد ۱۶۰۰۳ مورد آن به دلایل بی‌ارتباط بودن با پژوهش، تکرار مضامین و محتواها و یکسان بودن و مشابهت عبارات، حذف گردید و ۲۳۵ روایت باقی ماند که منبع و پایه اولیه شروع تحقیق برای مفهوم‌شناسی شد.

یافته‌های پژوهش

در قسمت تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از فرآیند کدگذاری سه مرحله‌ای تحلیل شدند. ۲۱۵ کدگذاری باز که در این مرحله، ۲۳۵ مفهوم از مضامین استخراج شد که برخی از آنها در جدول (۱) آورده شده است. در مرحله بعد، کدگذاری محوری با مقایسه و دسته‌بندی کدهای باز، ۸۹ مقوله فرعی شکل گرفت. در نهایت، در مرحله کدگذاری انتخابی با انتزاعی‌سازی و ادغام مقوله‌های فرعی، ۱۹ مقوله اصلی استخراج شد. مؤلفه‌ها با ۱۹ مؤلفه نهایی در سه بعد اصلی شناختی، عاطفی و رفتاری سازمان‌دهی شدند. این ابعاد و مؤلفه‌های زیرمجموعه آنها، ساختار مؤلفه‌های دوستی در منابع اسلامی را تشکیل دادند.

جدول ۱: مفاهیم و مقوله‌های دوستی بر اساس منابع اسلامی

ردیف	مفهوم فرعی	مفهوم اصلی	مقوله فرعی	مقوله اصلی
۱	عنصر دین‌باوری و اعتقادات و تأثیرش بر رابطه دوستانه	دین‌داری	ایمان	شناختی
۲	همه روابط دوستانه رضایت‌مندی را در پی ندارد، بلکه ایمان شرط آن است	تقوا		
۳	ایجاد پیوند صمیمی با بدکرداران نادانی است	درستکار		
۴	ارتباط مادی‌محور صرف، زبان‌بخش است	آخرت‌نگری		



ردیف	مفهوم فرعی	مفهوم اصلی	مقوله فرعی	مقوله اصلی
۵	رعایت اعتدال در میزان و کیفیت ارتباطات دوستانه و پرهیز از افراط و تفریط	درايت	تعقل	
۶	کسی که بدون دلیل موجه و خطایی از جانب دوست، او را ترک می‌کند، از خیر بی‌بهره است	تدبر		
۷	انتخاب هر نوع دوست، نشان‌دهنده میزان عقلانیت فرد می‌باشد	انتخاب درست		
۸	بی‌خردی و سبک‌سری موجب رمیدن دوستان می‌شود	هوشمند		
۹	حیات دوست و دوست به میزان تعقل طرفین رابطه است	خردمندی		
۱۰	عدم انتخاب عاقلانه دوست، موجب بروز رفتارهای مشابه غلط می‌شود	عقلانیت		
۱۱	شخصیت و اعتبار انسان با دوستان و اطرافیانش شناخته می‌شود	مشابهت	سنخیت	
۱۲	دوستی حقیقی، پیوندی روحانی و عمیق‌تر از خویشاوندی	پیوند		
۱۳	در رابطه دوستی، تناسب شرط موفقیت دوستی است	تناسب		
۱۴	دوستی که در ارتباط با او مجبور به عذرخواهی و مدارا نباشید	نجابت	اخلاق‌مداری	
۱۵	در دوستی باید روحیه قدرشناسی و تکریم دوستان غالب بر رابطه باشد	قدر شناس		
۱۶	حفظ حریم و احترام متقابل میان دوستان، ضامن بقای حیا و تداوم و پایداری محبت است	حفظ حرمت		
۱۷	حفظ صمیمیت در ارتباط دوستانه نیاز به قضاوت‌های صحیح و آگاهانه دارد	حسن‌ظن		
۱۸	دوست واقعی در سختی‌ها مایه آرامش و دلگرمی است و همراه خود را از اندوه باز می‌دارد	همدردی	دلسوزی	عاطفی
۱۹	انصاف متقابل، مهربانی با یکدیگر و دوری از حسادت، عوامل پایداری دوستی هستند	مهربانی		
۲۰	در همه حال باید به فکر دوست و مسائل او بود	وفاداری		
۲۱	نباید نسبت به دوست بی‌تفاوت بود حتی خطاکار باشد	توجه به هم‌دیگر		
۲۲	حفاظت از آبرو در غیبت	حفاظت		
۲۳	دوستان نیک، انسان را از گمراهی نجات داده و به‌سوی مسیر صحیح فرامی‌خوانند	دعوت به راه درست	خیرخواهی	
۲۴	دوست راستین کسی است که عیب را خیرخواهانه بگوید و در نبود او حافظ آبروش باشد	نقد منصفانه		
۲۵	حسادت نسبت به موفقیت‌ها و داشته‌های دوست، نشانه‌ای از نیک‌اندیشی	نیک‌اندیشی		

ردیف	مفهوم فرعی	مفهوم اصلی	مقوله فرعی	مقوله اصلی
	بیماری در اساس دوستی است			
۲۶	خیرخواهی همیشه به تعریف کردن از دوست نیست	نیک خواهی		
۲۷	انسان در برقراری با دوستان، دارای وظایف متقابل و رعایت ضوابط آن ارتباط می‌باشد	مسئولیت‌پذیری	وفاداری	
۲۸	بدترین دوست کسی است که در هنگام سختی، دوست خود را تنها بگذارند	تعهد		
۲۹	دوستی واقعی کسی که حمایتش در بزنگاه‌ها دوست را یاری کند	جانب‌داری		
۳۰	وفاداری نسبت به دوستان سرمایه‌ای است برای آینده	ثبات قدم		
۳۱	کسی که از روابط محبت‌آمیز و صمیمانه‌اش غفلت ورزد، دوستان را از دست می‌دهد	پایندی		
۳۲	دوست کسی است که عیب را خیرخواهانه بگوید و در نبود او حافظ آبرو و منافعش باشد			
۳۳	ایجاد محبت و دوستی با مردم محور عقلانیت است	دوستی	محبت	
۳۴	ابراز دوستی نسبت به دوستان، محبت متقابل را به دنبال خواهد داشت	مهربانی		
۳۵	ابراز محبت کلامی لازم است	ابراز محبت		
۳۶	محبت صرفاً کلامی نیست و باید در حیطه عمل بیاید	رأفت		
۳۷	ارتباطات دوستی هدف‌محور، پاینده نیست	بی‌توقع	همدلی	
۳۸	اساس نارضایتی در ارتباطات، توقع می‌باشد			
۳۹	مهم‌ترین جایگاه در دوستی فدا شدن در مسیر دوست است	ایثار		
۴۰	رابطه دوستی سودمحور، استوار نخواهد ماند			
۴۱	در دوستی باید روحیه قدرشناسی و تکریم دوستان غالب بر رابطه باشد	بی‌منت		
۴۲	در ارتباطات دوستانه مطلوب، در حضور و غیاب هم حمایتگر هستند	حمایتگری		
۴۳	ضرورت همبستگی و حمایت متقابل با دوستان	تعاون		
۴۴	جدی‌ترین ویژگی دوست راستین و وفادار بودن است	روراستی	صداقت	رفتاری
۴۵	راستی در ارتباط موجب دوام آن است			
۴۶	فریب‌کار و ظاهر ساز بدترین نوع دوست است	فریب‌کار نبودن		
۴۷	دوستی حقیقی ظاهر و باطنش یکی است	یک‌رویی		
۴۸	باید از دوستی با افرادی که به راستی پایبند نیستند، اجتناب کرد			
۴۹	دوستان را در زمان نیاز باید شناخت	پناه	حمایت	



۲۱۷

ردیف	مفهوم فرعی	مفهوم اصلی	مقوله فرعی	مقوله اصلی
۵۰	افراد را باید در هنگام موضع عمل شناسایی کرد، نه از گفته آنها	عملگرا		
۵۱	دوستان در لحظات سخت نباید دوستانشان را رها کنند	تکیه‌گاه		
۵۲	دوستی واقعی کسی است که حمایتش در بزنگاه‌ها دوست را یاری کند			
۵۳	برداشتن باری از روی دوش دوستان عنصری محوری در ارتباطات دوستانه است	یاوری		
۵۴	ارتباطات دوستانه در گرو رفع نیازهای شخص است	دستگیری		
۵۵	دوست ناشایست، سلامت دین و دنیوی انسان را به خطر می‌اندازد	امنیت‌ساز		
۵۶	دوست باید مشوق و یاری‌دهنده در فهم مسیر درست باشد	راهنما		
۵۷	مجادله بیش از حد با دوستان موجب کاهش دوستان می‌شود	نقا‌هم	سازگاری	
۵۸	هیچ دوستی پیدا نمی‌شود که کامل باشد	واقع‌بین		
۵۹	کمال‌گرایی در انتخاب دوست کامل به معنای محروم ماندن از دوستی و تنها ماندن است			
۶۰	در صورت اختلاف در رابطه دوستی، نباید همه پل‌های پشت سر را خراب کرد	گذشت		
۶۱	عدم طولانی شدن قطع ارتباط بین دوستان و ایجاد گامی در جهت اصلاح رابطه			
۶۳	مدارا با دوست، موجب حفظ و تثبیت رابطه می‌شود	مدارا		
۶۴	در ارتباطات دوستانه باید اصل چشم‌پوشی را رعایت کرد و نیمه پر لیوان را دید	تغافل		
۶۵	داشتن دشمنی در دل نسبت به دیگران، با روح برادری و دوستی حقیقی در تضاد است	بردبار		
۶۶	موشکافی و بهانه‌جویی در روابط دوستانه، به قطع محبت و گسستن پیوند دوستی می‌انجامد	بهانه‌نگرفتن		
۶۷	اطمینان و اعتماد به دوست باید بر پایه شناخت و احتیاط باشد	اعتماد	امین بودن	
۶۸	اعتماد کامل و بی‌قیدوشرط به دوست، تنها پس از آزمودن اوست			
۶۹	هر فردی در دایره دوستان نمی‌تواند جایگاه مطمئنی برای اسرار باشند	امانت‌داری		
۷۰	اطمینان کردن در رابطه دوستی باید بر اساس شناخت صورت گیرد	اطمینان کردن		
۷۱	در ارتباطات دوستانه، عنصر اعتماد است که کیفیت اطمینان را ایجاد می‌کند	اعتماد		

ردیف	مفهوم فرعی	مفهوم اصلی	مقوله فرعی	مقوله اصلی
۷۲	ارتباط با دوستان باعث زدودن غم‌ها و موجب صفای روح و آرامش خاطر می‌شود	آرامش‌بخش		
۷۳	واکنش در مقابل خطاهای دوست، باید با توجه به شرایط باشد	شکیبایی	صوری	
۷۴	عیب‌جویی بیش از حد، موجب ایجاد کینه و رمیدن دوستان می‌شود			
۷۵	بهترین خصلت، صبر و بردباری و درک متقابل در آشکار شدن (عیوب و نقاط ضعف) دوستان است	بردباری		
۷۶	کسی کنترل خشم خویش را ندارد نمی‌تواند ارتباط پایداری داشته باشد	خویش‌داری		
۷۷	دوستی‌های خدامحور، به دلیل پایداری و جاودانگی انگیزه‌شان، همواره ماندگار و مستحکم خواهند بود	پایداری		
۷۸	فروتنی در برابر دوستان میوه شیرین محبت و دوستی آنان را به ارمغان می‌آورد	تواضع	فروتنی	
۷۹	خودبزرگ‌بینی، مانعی جدی برای شکل‌گیری دوستی‌های صمیمی است			
۸۰	خودپسندی، بدخلقی و کم‌حوصلگی، سه خصلت ویرانگر و دافعه‌انگیز هستند که هیچ دوستی را برای انسان باقی نمی‌گذارند	سادگی		
۸۱	تقویت رابطه در دوستی منوط به رفتار متقابل هر شخص است	متانت		
۸۲	برای جلوگیری از کدورت، باید از شوخی‌آزاردهنده، مجادله و بحث بیهوده، خفروشی و ستیزه‌جویی با دوست پرهیز کرد	پرهیز از لج‌بازی		
۸۳	دوستی نباید مستلزم تکلف، رنج، زحمت و عدم راحتی باشد	بی‌تکلف		
۸۴	سخاوت موجب جلب محبت و دوستی دیگران و محبوبیت فرد می‌شود	کریم	سخاوت	
۸۵	بخل و خست بیش از حد، نه تنها جوانمردی و فتوت را لکه‌دار می‌کند، بلکه پیوند برادری و دوستی را نیز تباه می‌سازد			
۸۶	مهربانی و شفقت با یکدیگر و دوری از حسادت، عوامل پایداری دوستی هستند	حسود نبودن		
۸۷	یک از شئون دوستی، کمک کردن از امکانات خود است	از خودگذشتگی		
۸۸	هدیه دادن، محبت می‌آفریند، پیوند برادری را تجدید و تازه می‌کند و کینه را از بین می‌برد	هدیه دادن		
۸۹	از عناصر مهم ارتباطات دوستانه بزرگواری نسبت به همه خطاها و لغزش‌های دوست است	بزرگ‌منشی	حسن خلق	
۹۰	رفتار ناپسند، موجب نفرت و دوری گزیدن نزدیک‌ترین دوستان می‌شود	رفتار نیکو		



ردیف	مفهوم فرعی	مفهوم اصلی	مقوله فرعی	مقوله اصلی
۹۱	حسن خلق عامل اصلی جذب محبت دیگران و ایجاد دوستی پایدار است			
۹۲	گشاده‌رویی همچون دامی برای جلب محبت است	گشاده‌رویی		
۹۳	چهره باز در برخورد با دیگران، موجب انس و الفت دوستان می‌شود			
۹۴	نرم‌خویی در گفتار و پیش‌قدمی در سلام کردن و ابراز احترام، موجب افزایش دوستان و کاهش دشمنان می‌شود	نرم‌خویی		
۹۵	رعایت آداب اجتماعی و حسن رفتار موجب خلوص و تعمیق دوستی می‌شود	احترام		
۹۶	در رابطه دوستی، باید حق آن را به‌طور کامل، شایسته و کریمانه ادا کرد و به لوازم پایبند بود	تکریم		
۹۷	دوستی صمیمانه با افراد بی‌ادب، فاقد تربیت صحیح و ناآگاه به آداب معاشرت، شکل نمی‌گیرد و دوام نمی‌یابد	ادب		
۹۸	عیب‌جویی و تجسس در امور و احوال دیگران، به از دست دادن دوستان منجر می‌شود	فضولی نکردن		
۹۹	فرد منصف با رعایت عدالت در رفتار، دوستان زیادی دارد	حق‌مداری	انصاف	
۱۰۰	دوستان باید از هرگونه ستم، تنها گذاشتن در سختی‌ها و تحقیر بپرهیزند	ستم نکردن		
۱۰۱	میان‌روی رفتاری در دوستی موجب دوام ارتباط می‌شود	اعتدال		
۱۰۲	پیوند دوستی را نباید به سادگی گسست حتی اگر دوست دچار انحراف عقیدتی شود، بلکه باید امید به اصلاح او داشت	مستحکم	پایداری	
۱۰۳	انسان نباید هرجایی محبت خود را بذل کند	ثبات رفتاری		
۱۰۴	افراد باید در افکارشان نسبت به دوستان، دارای استقلال باشند	استقلال		
۱۰۵	علم یا جهل دوستان بر میزان درک و شناخت ما مؤثر است	عالم بودن		

روایی‌سنجی مؤلفه‌های دوستی

از ۹ کارشناس خبره روان‌شناسی و اسلامی در قالب یک فرم خواسته شد تا نظر خود را راجع به ارتباط یافته‌ها و مستندات دینی و ضرورت آنها ارائه دهند. بدین منظور با ارائه فرم «بررسی میزان مطابقت مؤلفه‌های مفهومی دوستی با آموزه‌های اسلامی» درخواست شد نظرات خود را درباره استنباط مؤلفه‌های «دوستی» از آیات قرآن و احادیث اهل بیت (علیهم‌السلام) در قالب سؤال «میزان مطابقت هریک از مؤلفه‌ها با مستندات به چه میزان است» بیان کنند. در این فرم ابتدا مراحل انجام تحقیق، شامل نحوه شناسایی مفاهیم اولیه مشیر به دوستی، تحلیل هریک از مفاهیم مشیر به دوستی در سه

سطح کدگذاری باز، محوری و انتخابی؛ همچنین تقسیم این مؤلفه‌ها در سه بعد شناختی، عاطفی و رفتاری بیان شده است؛ سپس هریک از مؤلفه‌ها، همراه با مستندات اسلامی و استدلال محقق آمده است. نتایج حاصل از میزان شاخص روایی محتوا^۱ (CVI) مؤلفه‌های دوستی اسلامی در جدول (۲) آمده است. در این جدول کارشناسانی که در CVI به هر گویه نمره ۴ یا ۳ (انتخاب گزینه‌های کاملاً مرتبط و مرتبط) اختصاص داده‌اند، موافق و کارشناسانی که نمره ۲ یا ۱ (انتخاب گزینه‌های نسبتاً مرتبط و غیرمرتبط) داده‌اند، مخالف تلقی شده‌اند. همان‌طور که از این جدول نمایان است، روایی محتوایی مؤلفه‌ها از وضعیت مطلوبی برخوردارند؛ به‌طوری‌که شاخص CVI هریک از مؤلفه‌ها ۰/۹۱ و بالاتر بوده است و میانگین کل شاخص روایی محتوایی برابر است با ۰/۹۸ است که بالاتر از مقدار CVI بحرانی، یعنی ۰/۷۹ است و اگر شاخص CVI کمتر از این مقدار باشد، آن مفهوم حذف می‌شد. بنابراین با لحاظ این قانون، همه ۱۹ مفهوم در این مرحله به‌عنوان مفاهیم مرتبط با حوزه «دوستی» باقی می‌مانند؛ همچنین شاخص CVR برابر ۰/۹۷ تأیید شد.

جدول ۲: روایی محتوایی مفاهیم دوستی در منابع اسلامی

ردیف	مفهوم	CVR			CVI			میانگین نمرات کارشناسان
		تعداد کارشناسان	نمره	وضعیت	تعداد کارشناسان	نمره	وضعیت	
۱	دلسوزی	۹	۰/۹۳	تأیید	۹	۱	تأیید	۳/۷
۲	صداقت	۹	۱	تأیید	۹	۱	تأیید	۳/۶
۳	حمایت	۹	۱	تأیید	۹	۱	تأیید	۳/۹
۴	ایمان	۹	۱	تأیید	۹	۱	تأیید	۳/۹
۵	سازگاری	۹	۱	تأیید	۹	۰/۹۸	تأیید	۳/۸
۶	خیرخواهی	۹	۱	تأیید	۹	۰/۹۸	تأیید	۳/۶
۷	امین بودن	۹	۰/۹۴	تأیید	۹	۰/۹۸	تأیید	۳/۷
۸	وفاداری	۹	۱	تأیید	۹	۰/۹۸	تأیید	۳/۸
۹	صبور	۹	۱	تأیید	۹	۰/۹۵	تأیید	۳/۶
۱۰	محبت	۹	۱	تأیید	۹	۰/۹۸	تأیید	۳/۸
۱۱	فروتن	۹	۰/۸۹	تأیید	۹	۰/۹۱	تأیید	۳/۶
۱۲	سخاوت	۹	۱	تأیید	۹	۱	تأیید	۴
۱۳	همدلی	۹	۰/۹۳	تأیید	۹	۰/۹۹	تأیید	۳/۸
۱۴	حسن خلق	۹	۱	تأیید	۹	۱	تأیید	۳/۹

1. Content Validity Index

ردیف	مفهوم	CVR		CVI		میانگین نمرات کارشناسان
		تعداد کارشناسان	نمره	وضعیت	تعداد کارشناسان	نمره
۱۵	تعقل	۹	۱	تأیید	۹	۰/۹۹
۱۶	انصاف	۹	۱	تأیید	۹	۱
۱۷	سنخیت	۹	۰/۹۰	تأیید	۹	۰/۹۶
۱۸	توانمندی	۹	۰/۸۸	تأیید	۹	۰/۹۴
۱۹	اخلاق‌مداری	۹	۱	تأیید	۹	۱

همچنین بر اساس یافته‌های مندرج در جدول (۳)، شاخص روایی محتوایی (CVI) برای ابعاد سه‌گانه دوستی اسلامی ارزیابی شد؛ بدین ترتیب که میزان CVI برای بعد شناختی (مشمول بر ۴ مقوله) برابر با ۰/۹۸، برای بعد عاطفی (مشمول بر ۵ مقوله) برابر با ۰/۹۸ و برای بعد رفتاری (مشمول بر ۱۰ مقوله) برابر با ۰/۹۷ تعیین گردید. میانگین کل شاخص روایی محتوایی این ابعاد برابر با ۰/۹۷ محاسبه شد که با توجه به فراتر بودن از ملاک پذیرش، حاکی از انطباق و روایی محتوایی بسیار مطلوب ساختار عاملی مؤلفه‌ها با متون و مستندات اسلامی است.

جدول ۳: روایی محتوایی ابعاد دوستی در منابع اسلامی

ردیف	بُعد	CVI		
		تعداد کارشناسان	نمره	وضعیت
۱	شناختی	۹	۰/۹۸	تأیید
۲	عاطفی	۹	۰/۹۸	تأیید
۳	رفتاری	۹	۰/۹۷	تأیید

بحث و نتیجه‌گیری

تحلیل کیفی داده‌های مستخرج از منابع اسلامی به شناسایی یک ساختار سه‌بعدی برای دوستی منجر شد که شامل ابعاد شناختی، عاطفی و رفتاری است. هریک از این ابعاد، مشتمل بر مجموعه‌ای از مؤلفه‌های بنیادین است که در ادامه به تفصیل تبیین می‌شوند.

۱. بُعد شناختی: زیربنای فکری دوستی

این بُعد ناظر بر چارچوب‌های فکری، نظام باورها، اصول و مبانی نظری است که درک فرد از

دوستی را شکل می‌دهد و زیربنای نگرش‌ها و رفتارهای اوست. تحلیل داده‌ها به شناسایی چهار مؤلفه اصلی در این بُعد منجر شد:

ایمان: این مؤلفه، دوستی را در یک چارچوب ارزشی و متعالی قرار می‌دهد و آن را از یک پیوند صرفاً مادی به یک رابطه معنوی و خدامحور ارتقا می‌بخشد. ایمان، از طریق مفاهیمی چون تقوا، درستکاری و آخرت‌نگری، به دوستی جهت، عمق و پایداری می‌بخشد.

تعقل: این مؤلفه بر به‌کارگیری خرد، درایت و هوشمندی در تمامی مراحل دوستی، از انتخاب اولیه تا مدیریت رابطه، تأکید دارد. تعقل از طریق کارکردهایی نظیر آینده‌نگری، تدبیر و هوشمندی، به‌عنوان یک فیلتر شناختی عمل کرده و از شکل‌گیری روابط آسیب‌زا جلوگیری می‌کند.

سنخیت: این مؤلفه به اهمیت شباهت و تناسب شخصیتی، ارزشی و فکری میان دوستان اشاره دارد. سنخیت به‌عنوان عامل اصلی جاذبه، تفاهم و پیوند روحانی، زمینه‌ساز شکل‌گیری یک رابطه عمیق و آرامش‌بخش است.

اخلاق‌مداری: این مؤلفه یک چارچوب کلی و حاکم بر تعاملات است که بر پابندی به فضایل اخلاقی تأکید دارد. اخلاق‌مداری از طریق اصولی چون حفظ حرمت، حُسن ظن و قدرشناسی، سلامت و پایداری رابطه را تضمین می‌کند.

۲۲۳

۲. بُعد عاطفی: هسته هیجانی دوستی

این بُعد شامل تمایلات، احساسات، عواطف و انگیزه‌هایی است که قلب تپنده رابطه دوستانه را تشکیل می‌دهد و به آن گرما و پویایی می‌بخشد. پنج مؤلفه اصلی این بُعد عبارت‌اند از:

دلسوزی: این مؤلفه به معنای نگرانی و توجه عمیق به احوال دوست است که از طریق همدردی، شفقت و مراقبت، به‌ویژه در سختی‌ها متجلی می‌شود و دوستی را به یک پیوند مسئولانه تبدیل می‌کند.

خیرخواهی: این مؤلفه بر نیت خالصانه و تلاش برای تأمین سعادت و منافع دوست، بدون چشم‌داشت شخصی دلالت دارد. خیرخواهی از طریق مروت و نیک‌اندیشی دوستی را به یک رابطه مبتنی بر ایثار ارتقا می‌دهد.

وفاداری: این مؤلفه نشانگر تعهد، ثبات قدم و مسئولیت‌پذیری در رابطه است. وفاداری، اصالت دوستی را در شرایط دشوار و فراز و نشیب‌ها به اثبات می‌رساند و آن را به پیوندی

پایدار تبدیل می‌کند.

محبت: این مؤلفه، هسته عاطفی و نیروی محرکه اصلی دوستی است که از طریق ابراز کلامی و عملی موجب ایجاد صمیمیت، مهربانی و پیوند عمیق می‌شود. همدلی: این مؤلفه به توانایی درک متقابل و مشارکت فعال در امور دوست اشاره دارد. همدلی از طریق همکاری، ایثار و اهتمام، دوستی را از یک رابطه فردمحور به یک پیوند مبتنی بر هم‌افزایی و پویایی تبدیل می‌کند.

۳. بُعد رفتاری: تجلی عملی دوستی

این بُعد شامل اعمال، کردار و مهارت‌های قابل مشاهده‌ای است که نمود عینی بینش‌ها و گرایش‌های درونی فرد در تعاملات دوستانه می‌باشد. ده مؤلفه اصلی این بُعد به شرح ذیل است:

صداقت: سنگ بنای اعتماد که از طریق شفافیت، یکرنگی و همخوانی میان نیت، گفتار و کردار تعریف می‌شود.

حمایت: کنش فعالانه و یاری‌رسانی در ابعاد عملی، عاطفی و معنوی که دوستی را به یک تکیه‌گاه قابل اتکا در برابر چالش‌ها تبدیل می‌کند.

سازگاری: ظرفیت و انعطاف‌پذیری برای مدیریت تعارضات و حفظ رابطه از طریق گذشت، مدارا و چشم‌پوشی.

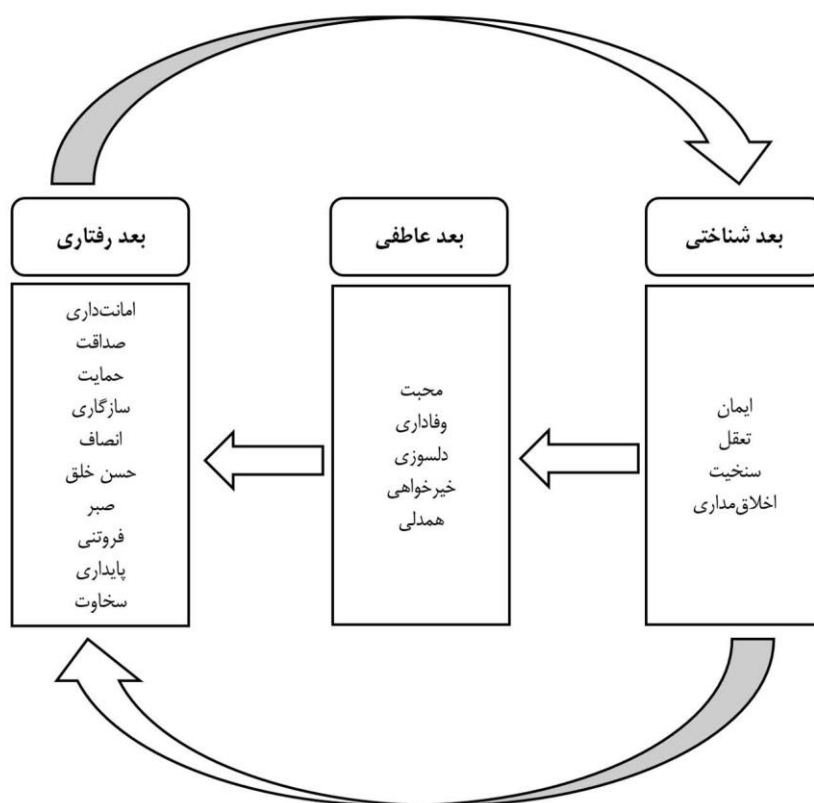
امین بودن: توانایی جلب اعتماد، رازداری و ایجاد یک فضای روانی امن که پیش‌نیاز اصلی شکل‌گیری روابط صمیمانه است.

صبوری: ظرفیت روان‌شناختی برای تحمل و خویش‌نهادی در برابر ناملايمات و خطاهای دوست که از واکنش‌های تکانشی و مخرب جلوگیری می‌کند.

فروتنی: منشی مبتنی بر تواضع و بی‌تکلفی که با حذف موانع ناشی از غرور، زمینه‌ساز ایجاد روابط صمیمی و برابر می‌شود. سخاوت: بخشندگی مادی و معنوی که از طریق ایثار و بذل کردن، موجب تقویت محبت و تحکیم پیوندهای دوستانه می‌گردد.

حُسن خلق: مجموعه‌ای از رفتارهای پسندیده، مانند گشاده‌رویی، نرم‌گویی و احترام که فضای تعامل را مثبت و جذاب می‌سازد.

انصاف: پایبندی به عدالت و حق‌مداری در تعاملات و قضاوت‌ها که زمینه‌ساز ایجاد اعتماد و احترام متقابل است. پایداری: ظرفیت و قدرت تأثیرگذاری مثبت و متقابل میان دوستان که دوستی را به بستری برای الگوسازی عملی و رشد و تعالی مشترک تبدیل می‌کند.



شکل ۱: ترسیم ساختار مؤلفه‌های دوستی

با توجه به بررسی‌های انجام‌شده در حوزه دوستی و دستیابی به مؤلفه‌های ۱۹ گانه آن بر اساس منابع اسلامی، در سه بعد شناختی، عاطفی و رفتاری تقسیم شدند. در نتیجه دوستی بر اساس مؤلفه‌های مستخرج از منابع اسلامی عبارت است از: «یک پیوند آگاهانه، عمیق و مسئولانه است که بر ساختاری سه‌بعدی و درهم‌تنیده استوار است که بُعد شناختی آن از یک جهان‌بینی مشترک

مبتنی بر ایمان و تعقل نشئت می‌گیرد و با معیار سنخیت فکری و پایبندی به اخلاق الهی، بنیان نظری خود را استوار می‌سازد؛ همچنین بُعد عاطفی آن بر پایه این شالوده معرفتی، گرایش‌های قلبی اصیلی همچون محبت و همدلی خالصانه، خیرخواهی بی‌شائبه، دلسوزی و وفاداری متعهدانه شکل می‌گیرد که به رابطه عمق و پایداری می‌بخشد؛ و در نهایت بُعد رفتاری است که بنیان‌های شناختی و عاطفی، در یک سلوک اجتماعی فضیلت‌محور ترجمه می‌شود که نمودهای عینی آن صداقت در کلام، حمایت در عمل، امین بودن، انصاف، حسن خلق، سازگاری، صبر، فروتنی، سخاوت و توانمندی در جهت یاری‌رسانی متقابل است. بنابراین دوستی در این مدل، صرفاً یک رابطه عاطفی نیست، بلکه فرآیندی هدفمند برای رشد متقابل و تعالی انسانی است که در آن، معرفت، عاطفه و عمل در یک راستا قرار می‌گیرند.

مؤلفه‌های استخراج‌شده، دوستی را نه مجموعه‌ای از صفات پراکنده، بلکه یک معماری ارگانیک و پویا به تصویر می‌کشد که در آن، ابعاد و مؤلفه‌ها در یک رابطه طولی، علی و بازخوردی با یکدیگر قرار دارند. این روابط را می‌توان در سه سطح تحلیل کرد:

سطح اول، جریان تکاملی از بینش به رفتار (رابطه طولی و علی)

این مدل بر یک جریان منطقی و تکاملی استوار است که در آن، هر گام، شالوده و زمینه‌ساز گام بعدی است.

گام اول، شالوده‌ریزی شناختی: بینش، ریشه و علت‌العلل دوستی است. این بُعد، «چرا» و «چگونه» گسی شکل‌گیری یک پیوند اصیل را تعریف می‌کند. در این هسته، ایمان به‌مثابه جهان‌بینی و مبدأ ارزش‌گذاری عمل می‌کند. تعقل ابزار سنجش و درک عمیق این ایمان و تمایز حق از باطل در روابط است. از همسویی در ایمان و تعقل، اخلاق به‌عنوان یک چارچوب هنجاری مشترک ظهور می‌کند. در نهایت، سنخیت، محصول و برآیند طبیعی این اشتراکات فکری، روحی و اخلاقی است. بنابراین دوستی اسلامی، یک انتخاب کور عاطفی نیست، بلکه یک پیوند مبتنی بر معرفت است. بدون این شالوده، دوستی از عمق استراتژیک تهی شده و به یک رابطه سطحی و تاکتیکی فروکاسته می‌شود.

گام دوم، جوانه زدن گرایش: گرایش، پلی است که معرفت را به عمل پیوند می‌زند. بر بستر آن شالوده شناختی مستحکم، عواطف و گرایش‌های قلبی اصیل امکان رشد می‌یابند. محبت،

شاهبیت و موتور محرک این بُعد است، اما این محبت، احساسی زودگذر نیست، بلکه عشقی جهت‌دار و برآمده از شناخت است. این محبت خود را در قالب‌هایی متجلی می‌سازد، همچون خیرخواهی (نیت فعالانه و جهت‌گیری ارادی محبت است)، همدلی و دلسوزی (ابعاد انفعالی و پذیرای محبت هستند، یعنی توانایی درک و حس کردن شادی و رنج دیگری) و وفاداری (زمانی محبت است که پایداری آن را در فراز و نشیب‌ها تضمین می‌کند). این گرایش‌ها، رابطه‌ای را که با عقل آغاز شده، با عشق، عمق و حرارت می‌بخشند.

گام سوم، تجلی در رفتار: رفتار، آزمون‌گاه صدق بینش و گرایش است. در نهایت، آن معرفت ریشه‌دار و این عاطفه عمیق باید در کنش‌های اجتماعی عینیت یابند. این بُعد، ترجمه عملی دو بُعد قبلی است. در میان مؤلفه‌های رفتاری نیز یک سلسله مراتب ظریف وجود دارد: ستون‌های اعتماد (صادقت و امانت‌داری، زیربنای هرگونه تعامل سازنده هستند. بدون این دو، کل بنای دوستی فرو می‌ریزد)؛ مَلاط رابطه، یعنی حسن خلق، صبر، فروتنی و سازگاری، مؤلفه‌هایی هستند که تعاملات روزمره را نرم، روان و پایدار می‌سازند و از فرسایش رابطه جلوگیری می‌کنند؛ میوه‌های فضیلت: حمایت، انصاف، سخاوت و توانمندی (در یاری‌رسانی)، اوج شکوفایی دوستی هستند؛ جایی که فرد از خود فراتر رفته و به صورت فعال در جهت رشد و یاری دوست خود گام برمی‌دارد.



۲۲۷

سطح دوم، حلقه‌های بازخورد تقویتی

این مدل یک ارتباط یک‌طرفه نیست، بلکه یک سیستم پویا با حلقه‌های بازخورد تقویتی است. رفتار فضیلت‌محور صرفاً محصول نهایی نیست، بلکه خود، خوراک جدیدی برای تقویت ابعاد پیشین فراهم می‌کند. یک رفتار صادقانه (مانند حمایت در یک بحران) به شکل ملموس، گرایش قلبی (مانند وفاداری) را اثبات می‌کند. این اثبات عملی، محبت را عمیق‌تر کرده و آن را از یک حس انتزاعی به یک باور یقینی تبدیل می‌کند. این تجربه یقینی، به نوبه خود، بینش اولیه فرد را تصدیق و تقویت می‌کند (اکنون با تمام وجود درک می‌کنم که چرا دوستی مبتنی بر ایمان و اخلاق تا این حد ارزشمند است). این چرخه، یک مارپیچ رشد صعودی ایجاد می‌کند که در آن، دوستی به طور مداوم خود را بازتولید و عمیق‌تر می‌سازد.

سطح سوم، نتیجه‌گیری تفسیری: دوستی به مثابه جریان تکاملی

در جمع‌بندی، این مدل نشان می‌دهد که دوستی در منظر اسلامی، یک حالت ایستا

نیست، بلکه یک فرآیند و یک سفر تکاملی مشترک است. هدف غایی این معماری پیچیده، نه صرفاً کسب لذت عاطفی یا منفعت اجتماعی، بلکه تعالی و رشد متقابل است. دوست، آینه‌ای برای دیدن فضایل و رذایل و این رابطه، بستری برای تمرین عملی فضائل انسانی و نزدیک شدن به کمال مطلوب است.

مؤلفه «ایمان» در چارچوب نظری دوستی در اسلام، نه یک ویژگی فردی، بلکه یک معیار بنیادین و اصل حاکم بر انتخاب دوست و استمرار روابط است. بر اساس این اصل، دوستی حقیقی و پایدار آن است که در بستر باور مشترک به خداوند و در مسیر تقوای الهی شکل گرفته باشد^۱ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۴، ص ۳۹۷). روایات با صراحت، دایره دوستی صمیمانه را بر مبنای ایمان ترسیم کرده و از برقراری پیوند ولایت و هم‌پیمانی با کسانی که در خارج از این دایره اعتقادی قرار دارند، برحذر می‌دارند^۲ (مأنده: ۵۱). این رویکرد، دوستی را امری سرنوشت‌ساز می‌داند که تأثیر مستقیم بر هویت دینی و اخروی فرد دارد؛ از این‌رو مؤاخات و دوستی با افراد فاسق و فاجر، از بزرگ‌ترین مصادیق حماقت و بی‌خردی به‌شمار آمده است^۳ (لبثی واسطی، ۱۳۸۷، ج ۸۵۱۹). منطق حاکم بر این گزینشگری مبتنی بر یک دوراندیشی عمیق نسبت به غایت و فرجام دوستی است. هر رابطه‌ای که برای غیر خدا و بر مبنای منافع دنیوی شکل گیرد، ماهیتی ناپایدار و فرجامی تلخ خواهد داشت و در نهایت در روز قیامت به دشمنی بدل خواهد شد^۴ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۶، ص ۲۳۷). در مقابل، دوستی مبتنی بر ایمان، پیوندی است که در دنیا و آخرت منشأ خیر و برکت است. بنابراین «ایمان» به‌مثابه یک فیلتر ارزشی عمل می‌کند که هدف آن، صیانت از فرد در برابر تأثیرات مخرب همنشینان نامناسب^۵ (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ج ۱۰۳۲۲) و تضمین این است که حلقه دوستان، شبکه‌ای از حمایت معنوی و هم‌افزایی در مسیر کمال باشد، نه عاملی برای انحراف و ندامت اخروی.

«عقلانیت» در عرصه دوستی، به معنای به‌کارگیری خرد و تدبیر در انتخاب، حفظ و مدیریت روابط است. این مؤلفه، دوستی را از یک امر صرفاً احساسی و غریزی خارج کرده و آن را در

۱. «قال علیؑ: للظالم غداً یُکَفِّیه عَصَه یَدِّیه والرحیل وشیک ولأخلاء ندامةً إلا المتقین»

۲. «یا ایها الذین آمنوا لا تتخذوا اليهود والنصارى أولیاء بعضهم أولیاء بعض ومن یتولهم منکم فإنه منهم إن الله لا یتهدی القوم الظالمین»

۳. «قال علیؑ: من أعظم الحقم مؤاخاة الفجار»

۴. «قال الصادقؑ: کلُّ خلَّةٍ کانَتْ فی الدُّنْیا فی غیرِ اللهِ فإِنَّها تصیرُ عداوةً»

۵. «قال علیؑ: لا تُصَحِّبَنَّ أبناء الدُّنْیا»

چارچوبی حکیمانه و هدفمند قرار می‌دهد. بر این اساس، بهترین و شفیق‌ترین دوست کسی است که انسان را به سرای باقی (آخرت) دعوت کرده و او را در مسیر عمل صالح یاری نماید^۱ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ج ۸۷۷۵) در مقابل، بدترین دوست، کسی است که با فریفتن انسان به لذت‌های زودگذر دنیوی، او را از هدف غایی حیات غافل می‌سازد. از این منظر، عقلانیت در دوستی به معنای اولویت بخشیدن به منافع پایدار اخروی بر منافع آنی و دنیوی است.

منطق این عقلانیت بر یک دوراندیشی و میانه‌روی هوشمندانه استوار است. روایات توصیه می‌کنند که در ابراز محبت و دشمنی، باید همواره حد اعتدال را رعایت کرد و راه را برای تغییرات آینده باز گذاشت^۲ (طوسی، ۱۴۰۳، ص ۳۶۴). همچنین در انتخاب دوست، باید از همنشینی با افراد سفیه و نادان پرهیز کرد؛ زیرا آنها با تزیین اعمال باطل خود، فرد را نیز به بیراهه می‌کشانند^۳ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۴، ص ۱۹۹). همراهی با دوست خردمند و با بصیرت به مثابه حیات و زندگی برای روح انسان است^۴ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ج ۵۸۴۲). بنابراین عقلانیت به عنوان یک فیلتر عمل می‌کند که فرد را از افتادن در دام دوستی‌های مضر و سطحی بازداشته و او را به سمت روابطی سوق می‌دهد که موجب رشد فکری و معنوی او می‌گردد.



۲۲۹

مؤلفه‌های دوستی بر اساس منابع اسلامی: تحلیل محتوای کیفی

«اخلاق‌مداری» به عنوان یک مؤلفه فراگیر، چارچوب کلی حاکم بر تمامی تعاملات دوستانه را تعیین می‌کند. این اصل، دوستی را در بستر فضائل اخلاقی تعریف کرده و هر رفتاری که با این فضا در تضاد باشد را آفت و ویرانگر رابطه می‌داند. بدترین دوست کسی است که انسان را به عذرخواهی و توجیه مداوم وادار می‌کند^۵ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ج ۵۸۴۲). چنین رابطه‌ای فاقد امنیت و آرامش بوده و بر پایه‌های سست بنا شده است. اخلاق‌مداری ایجاب می‌کند که در رابطه، از سوءظن - که مجالی برای بخشش و گذشت باقی نمی‌گذارد - و تجسس در عیوب دیگران به شدت پرهیز شود^۶ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۷، ص ۲۲۷).

۱. «قال علیُّ (ع): مَنْ دَعَاكَ إِلَى الدَّارِ الْبَاقِيَةِ وَأَعَانَكَ عَلَى الْعَمَلِ لَهَا فَهُوَ الصَّدِيقُ الشَّفِيقُ»

۲. «قال علیُّ (ع): أَحِبَّ خَبِيبَكَ هَوْنًا مَا فَعَسَى أَنْ يَكُونَ بَغِيضَكَ يَوْمًا مَا وَأَبْغَضَ بَغِيضَكَ هَوْنًا مَا فَعَسَى أَنْ يَكُونَ خَبِيبَكَ يَوْمًا مَا»

۳. «قال علیُّ (ع): لَا تَصْحَبِ الْمَائِقَ؛ فَإِنَّهُ يَزِيْرُ لَكَ فِعْلَهُ وَيُوَدُّ أَنْ تَكُونَ مِثْلَهُ»

۴. «قال علیُّ (ع): صُحْبَةُ الْوَلِيِّ اللَّيِّبِ حَيَاةُ الرُّوحِ»

۵. «قال علیُّ (ع): شَرُّ إِخْوَانِكَ مَنْ أَحْوَجَكَ إِلَى مُدَارَاةٍ وَالْجَاكَ إِلَى اعْتِدَارٍ»

۶. «قال علیُّ (ع): لَا تَغْلِبَنَّ عَلَيْكَ سُوءُ الظَّنِّ؛ فَإِنَّهُ لَا يَدْعُ نِيَّتَكَ وَبَيْنَ خَلِيلٍ صُلْحًا»

منطق حاکم بر این مؤلفه، بر حفظ «حریم و حرمت» در دوستی استوار است، حتی در اوج صمیمیت، نباید حشمت و احترام متقابل از بین برود؛ زیرا از بین رفتن حشمت، به از بین رفتن حیا و در نهایت به نابودی مودت منجر می شود^۱ (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۴۰۹). بر این اساس، دوستی دارای حدود و مرزهای مشخصی است و هرکس فاقد این حدود باشد، شایسته نام دوست نیست. این حدود شامل رفتارهایی چون قدرشناسی در برابر نعمت، پرهیز از منت گذاری، و فراموش کردن خطای دوست و به یاد سپردن نیکی های اوست^۲ (دیلمی، ۱۴۱۲ق، ص ۳۱۳). در نهایت، اخلاق مداری، ضامن سلامت، کرامت و پایداری یک رابطه دوستانه است.

مؤلفه «سنخیت» بر این اصل بنیادین استوار است که انسان ها به طور طبیعی به سوی افراد هم شکل و هم فکر خود جذب می شوند و هویت هر فرد را می توان از طریق دوستان و همراهانش باز شناخت^۳ (قمی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۲۷). این اصل، که در ضرب المثل «کبوتر با کبوتر، باز با باز» نیز متبلور است، بر اهمیت حیاتی انتخاب دوست هم سنخ و موافق تأکید می کند. پیش از قضاوت درباره هر فردی، باید نگریست که با چه کسانی مصاحبت می کند. این هم سنخی، نه تنها در ویژگی های ظاهری، بلکه در ابعاد عمیق تر روحی نیز معنا می یابد؛ تا آنجا که دوست، «نسب و خویشاوند روح» خوانده شده؛ در حالی که برادر، خویشاوند جسم است^۴ (ابن ابی الحدید، ۱۳۷۸، ج ۲۰، ص ۳۰۰).

منطق حاکم بر این مؤلفه مبتنی بر آرامش و سکونی است که از همنشینی با افراد هم فکر و همدل حاصل می شود. هر چیزی در عالم به سوی مشابه خود میل کرده و در کنار آن آرام می گیرد و مؤمن نیز در کنار برادر مؤمن خود به سکون و استراحت روحی می رسد^۵ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۴، ص ۲۳۴). انتخاب دوست، همانند انتخاب وصله ای برای لباس است، باید آن را هم شکل و متناسب برگزید^۶ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ج ۱، ص ۳۷۹). بر همین اساس، دوری گزیدن از همنشین بد^۷ (تمیمی آمدی،

۱. «قال الكاظم عليه السلام: لا تُدْهِبِ الحِشْمَةَ بَيْنَكَ وَبَيْنَ أَخِيكَ وَأَبْقِ مِنْهَا؛ فَإِنَّ ذَهَابَهَا ذَهَابُ الْحَيَاءِ»

۲. «قال الإمام العسكري عليه السلام: خَيْرُ إِخْوَانِكَ مَنْ نَسَبِي ذَنْبِكَ، وَذَكَرَ إِحْسَانَكَ إِلَيْهِ»

۳. «قال سليمان عليه السلام: لَا تَحْمُوا عَلَي رَجُلٍ بَشِيءٍ حَتَّى تَنْظُرُوا إِلَي مَنْ يُصَاحِبُ، فَإِنَّمَا يُعْرِفُ الرَّجُلُ بِأَشْكَالِهِ وَأَقْرَانِهِ وَيَنْسَبُ إِلَي أَصْحَابِهِ وَأَخْدَانِهِ»

۴. «قال علي عليه السلام: الصَّدِيقُ نَسِيبُ الزَّوْجِ، وَالْأَخُ نَسِيبُ الْجِسْمِ»

۵. «قال الصادق عليه السلام: لِكُلِّ شَيْءٍ شَيْءٌ يَسْتَرِيحُ إِلَيْهِ، وَإِنَّ الْمُؤْمِنَ يَسْتَرِيحُ إِلَى أَخِيهِ الْمُؤْمِنِ كَمَا يَسْتَرِيحُ الظَّلِيلُ إِلَى شَكْلِهِ»

۶. «قال علي عليه السلام: الْأَصَاحِبُ كَالرُّفْعَةِ فِي الثَّوْبِ فَإِتَّخَذَهُ مُشَاكِلاً»

۷. «قال علي عليه السلام: إِحْذَرُ مُجَالَسَةَ قَرِينِ السَّوْءِ؛ فَإِنَّهُ يُهْلِكُ مُقَارَنَةً وَيُرْدِي مُصَاحِبَةً»

۱۴۱۰ق، ج ۲۵۹۹) یک ضرورت عقلی و اخلاقی است؛ زیرا تأثیرپذیری از او امری قطعی و اجتناب‌ناپذیر است. سنخیت، ضامن یک رابطه روان، کم‌تنش و سازنده است که در آن، طرفین به‌جای صرف انرژی برای حل اختلافات بنیادین، می‌توانند بر رشد متقابل تمرکز کنند.

مؤلفه دلسوزی در منظومه فکری اسلامی، فراتر از یک احساس گذرا و سطحی، به‌عنوان یکی از بنیان‌های استوار در روابط انسانی، به‌ویژه در دوستی و اخوت تعریف می‌شود. این دلسوزی، یک تعهد دوجانبه و نیازی متقابل^۱ (ابن‌شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۳۲۲) است که تجلی غایی خود را در بزنگاه‌های دشوار زندگی به نمایش می‌گذارد. دلسوزی حقیقی در قالب آرامش‌بخشی به همراه در هنگام اضطراب و ترس^۲ (توبه: ۴۰)، و حمایت بی‌دریغ از او در مصیبت‌ها و سختی‌ها عینیت می‌یابد. بر اساس این نگرش، محک واقعی صدق و صفا در یک رابطه، پایداری و حضور حمایتی در شرایطی است که فرد دچار نکبت شده، غایب است یا حتی از دنیا رفته باشد^۳ (شریف‌رضی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۳۴). بنابراین دلسوزی یک سپر عاطفی و روانی است که فرد را در برابر ناملایمات روزگار محافظت کرده و به او احساس امنیت و دلگرمی می‌بخشد، اما این دلسوزی به حمایت

عاطفی صرف محدود نمی‌شود، بلکه در سطحی عمیق‌تر و سازنده‌تر، جنبه‌ای اصلاح‌گرانه و هدایتگر به خود می‌گیرد. شفقت راستین ایجاب می‌کند که فرد نه تنها در مقام مظلومیت، بلکه حتی در جایگاه ظالم نیز دوست خود را یاری رساند، البته یاری رساندن به ظالم، نه از طریق تأیید عمل او، بلکه با بازداشتن او از ظلم و خطا محقق می‌شود^۴ (نیشابوری، ۱۳۳۴ق، ج ۴، ص ۶۲). این رویکرد، دلسوزی را با مسئولیت‌پذیری اخلاقی پیوند می‌زند. در همین راستا، بهترین دوستان کسانی معرفی شده‌اند که عیوب انسان را همچون هدیه‌ای گران‌بها به او پیشکش می‌کنند^۵ (ورام، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۱۲۳). چنین فردی که آینه صادق عیب‌های انسان است، صدیق حقیقی است و حفظ رابطه با او یک ضرورت است^۶ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۶۷۹). در نهایت، عمق و اصالت این دلسوزی

۱. «قال الصادق (ع): تحتاج الإخوة فيما بينهم إلى ثلاثة أشياء، فإن استعملوها والآ تباينوا وتباغضوا، وهي: التناصُّف، والفراح، ونفى الحسد»

۲. «إِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ مَعَنَا»

۳. «قال علي (ع): لَا يَكُونُ الصَّدِيقُ صَدِيقًا حَتَّى يَحْفَظَ أَخَاهُ فِي ثَلَاثٍ: فِي نَكْبَتِهِ وَغَيْبَتِهِ وَوَفَاتِهِ»

۴. «وَلْيَنْصُرِ الرَّجُلُ أَخَاهُ ظَالِمًا أَوْ مَظْلُومًا، إِنْ كَانَ ظَالِمًا فَلْيَنْهَهُ؛ فَإِنَّهُ لَهُ نَصْرٌ، وَإِنْ كَانَ مَظْلُومًا فَلْيَنْصُرْهُ»

۵. «قال رسول الله (ص): خَيْرُ إِخْوَانِكُمْ مَنْ أَهْدَى إِلَيْكُمْ عُيُوبَكُمْ»

۶. «قال علي (ع): مَنْ بَصَرَكَ غَيْبُكَ وَحَفِظَكَ فِي غَيْبِكَ فَهُوَ الصَّدِيقُ، فَاحْفَظْهُ»

چندوجهی است که به زندگی فرد معنا بخشیده و میراثی عاطفی بر جای می‌گذارد که پس از وفات، در اندوه و اشک سوگواران متجلی می‌شود.

«خیرخواهی» در ساختار دوستی به مثابه روح و جوهره اصلی رابطه تعریف می‌شود که آن را از یک پیوند عاطفی صرف، به یک تعهد سازنده و تعالی‌بخش ارتقا می‌دهد. اوج این خیرخواهی، نه در تأیید بی‌چون و چرای دوست، بلکه در راهنمایی او به مسیر هدایت^۱ (انعام: ۷۱) و نقد مشفقانه و صادقانه عیوب او تجلی می‌یابد. بر اساس این نگرش، دوست راستین کسی است که عیوب فرد را همچون هدیه‌ای گران‌بها به او تقدیم می‌کند^۲ (ورام، ۱۳۶۹، ج ۲، ص ۱۲۳) و در غیابش نیز حافظ آبرو و حریم اوست. این نصیحت خالصانه که از هرگونه حسد و بدخواهی که آفت و بیماری مودت است^۳ (شریف رضی، ۱۴۱۴ق، ح ۲۰۹) به دور است، محک تشخیص دوستی حقیقی از دیگران است^۴ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ح ۱۹۰۴).

این خیرخواهی، یک تکلیف متقابل و مسئولیتی اجتماعی است که بر دوش همه مؤمنان قرار دارد و از ایشان می‌خواهد که همواره در پی اصلاح روابط برادران دینی خود باشند^۵ (حجرات: ۱۰). گستره این خیرخواهی به قلمرو معنوی نیز کشیده می‌شود؛ جایی که دوستان به واسطه دعای مستجاب خود، شفیعان یکدیگر می‌شوند^۶ (صدوق، ۱۴۰۲ق، ج ۱، ص ۴۶). شاهبیت این مفهوم در این تعبیر عمیق نهفته است که دوست، خود دیگر توست^۷ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ح ۱۸۵۶). این بیان، غایت خیرخواهی را ترسیم می‌کند. رسیدن به مقامی از همدلی و یگانگی که در آن، فرد خیر و صلاح دوست را عیناً همچون خیر و صلاح خود دانسته و برای سعادت او همان‌گونه می‌کوشد که برای سعادت خویش می‌کوشد.

«وفاداری» در فرهنگ روایی، محک غایی و تجلیگاه اصالت یک دوستی است که در فراز و

۱. «لَهُ أَصْحَابٌ يَدْعُونَهُ إِلَى الْهُدَى»

۲. «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: خَيْرُ إِيَّائِكُمْ مَنْ أَهْدَى إِلَيْكُمْ عُيُوبَكُمْ»

۳. «قَالَ عَلِيُّ ﷺ: حَسَدُ الصَّدِيقِ مِنْ شَقَمِ الْمَوَدَّةِ»

۴. «قَالَ عَلِيُّ ﷺ: الصَّدِيقُ الصَّدُوقُ مَنْ نَصَحَكَ فِي عَيْبِكَ وَحَفِظَكَ فِي غَيْبِكَ وَأَتَرَكَ عَلَى نَفْسِهِ»

۵. «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلَحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ»

۶. «قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ﷺ: اسْتَكْبَرُوا مِنَ الْإِخْوَانِ فَإِنَّ لِكُلِّ مُؤْمِنٍ دَعْوَةً مُسْتَجَابَةً، وَقَالَ اسْتَكْبَرُوا مِنَ الْإِخْوَانِ فَإِنَّ لِكُلِّ مُؤْمِنٍ شَفَاعَةً، وَقَالَ أَكْبَرُوا مِنْ مُوَاحَاةِ الْمُؤْمِنِينَ فَإِنَّ لَهُمْ عِنْدَ اللَّهِ بَدْءًا يَكْفِيهِمْ بِهَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ»

۷. «قَالَ عَلِيُّ ﷺ: الصَّدِيقُ إِنْسَانٌ، هُوَ أَنْتَ إِلَّا أَنَّهُ غَيْرُكَ»

نشیب‌های زندگی و پس از آن، خود را به نمایش می‌گذارد. تعریف جامع وفاداری در این نکته نهفته است که دوست واقعی کسی است که حریم برادر خود را در سه موقعیت حیاتی حفظ کند: در دوران نکبت و سختی، در غیاب او، و پس از وفاتش^۱ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۴، ص ۱۶۳). این سه عرصه، میدان آزمونی است که صدق ادعای دوستی را از گزافه‌گویی متمایز می‌کند. وفاداری، تعهدی است که با تغییر شرایط و قدرت، رنگ نمی‌بازد، بلکه دقیقاً در هنگام زوال قدرت است که دوست وفادار از مدعی ریاکار شناخته می‌شود^۲ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ح ۶۲۱۴).

منطق وفاداری بر یک تعهد اخلاقی و مسئولیت‌پذیری دوجانبه استوار است. خیانت به دوست، حتی در قالب بی‌تفاوتی نسبت به خطای او درحالی‌که توان اصلاحش وجود دارد، نقض صریح وفاداری محسوب می‌شود^۳ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۵، ص ۶۵). دوست وفادار کسی است که در سختی‌ها سپر بلا و در آسایش، سرمایه و تکیه‌گاه است^۴ (صدوق، ۱۳۷۶، ص ۳۸۰). این تعهد آن‌چنان عمیق است که حتی جفا و بی‌مهری از سوی دوست نیز نباید به سادگی موجب قطع رشته محبت شود^۵ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ح ۱۰۸۲۴).



۲۳۳

در مقابل، بی‌وفایی و پیمان‌شکنی، نشانه پستی و رذالتی است که هرگونه مودت و محبتی را بی‌ارزش می‌سازد^۶ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ح ۱۰۱۶۴).

«محبت» در گفتمان اسلامی، فراتر از یک احساس صرف، یک کنش عقلانی و ایمانی است که پس از ایمان به خدا، شریف‌ترین و خردمندانه‌ترین رفتار به‌شمار می‌آید^۷ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۴، ص ۱۵۸). این مؤلفه، نه یک امر تصادفی، بلکه نتیجه یک تلاش آگاهانه و دوطرفه برای جلب قلوب است؛ به این معنا که برای محبوب شدن، باید محبت ورزید^۸ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۶۴۲). محبت حقیقی، خود را در سه رفتار کلیدی آشکار می‌سازد: هدیه کردن عیوب به دوست به قصد اصلاح،

۱. «قال علیُّ (ع): لا یكونُ الصَّدِیقُ صَدِیقاً حَتّٰی یَحْفَظَ أَخاهُ فی ثَلَاثٍ: فی نَكَبَتِهِ، وَغَیْبَتِهِ، وَوَفَاتِهِ»

۲. «قال علیُّ (ع): عِنْدَ زَوَالِ الْقُدْرَةِ یَتَبَيَّنُ الصَّدِیقُ مِنَ الْعَدُوِّ»

۳. «قال الصادق (ع): مَنْ رَأَى أَخاهُ عَلٰی أَمْرٍ یَکْرَهُ فَلَمْ یَرِدْهُ عَنْهُ وَهُوَ یَقْدِرُ عَلَیْهِ فَقَدْ خَانَ»

۴. «قال علیُّ (ع): عَلَیْكَ بِإِخْوَانِ الصَّدِیقِ فَأَکْثِرْ مِنْ اِکْتِسَابِهِمْ؛ فَإِنَّهُمْ عُدَّةٌ عِنْدَ الرِّخَاءِ وَجُنَّةٌ عِنْدَ الْبَلَاءِ»

۵. «قال علیُّ (ع): لا یَحُولُ الصَّدِیقُ الصَّدُوقُ عَنِ الْمَوَدَّةِ وَإِنْ جُفِیَ»

۶. «قال علیُّ (ع): لا تَمْتَحِنْ وَدَّكَ مِنْ لا وَفَاءَ لَهُ»

۷. «قال رسول الله (ص): رَأْسُ الْعَقْلِ بَعْدَ الْإِیمَانِ بِاللَّهِ وَرَأْسُ التَّحَبُّبِ إِلَى النَّاسِ»

۸. «قال الباقر (ع): إِنْ أَعْرَابَنَا مِنْ بَنِي تَمِیمِ أَتَى النَّبِیَّ (ص) فَقَالَ لَهُ: أَوْصِنِي، فَكَانَ مِمَّا أَوْصَا: تَحَبَّبْ إِلَى النَّاسِ یُحِبُّوكَ»

حفظ آبروی او در غیابش، و یاری رساندن به او در هنگام سختی. این سه، ارکان مودت خالصانه را تشکیل می‌دهند و دوستی را از سطح به عمق می‌رسانند.

منطق حاکم بر محبت، بر اصل بازتاب و تقابل استوار است؛ به این معنا که میزان محبت قلبی یک دوست را می‌توان از احساسی که خود نسبت به او داریم، بازشناخت^۱ (اربلی، ۱۴۲۱ق، ج ۲، ص ۳۳۱). این محبت آن چنان ارزشمند است که یافتن یک برادر و دوست همدل و همراز، از کمیاب‌ترین گنجینه‌ها در برخی دوران‌ها معرفی شده^۲ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۸، ص ۲۵۱)، و از دست دادن چنین دوستی به مثابه از دست دادن شریف‌ترین عضو بدن است^۳ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ح ۹۲۲۷). این پیوند عمیق، نیازمند ابراز و اعلام است^۴ (برقی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۴۱۵) تا رابطه از استحکام بیشتری برخوردار شود. در نهایت، غایت این محبت در ایشار و مقدم داشتن دوست بر خود و خانواده تجلی می‌یابد^۵ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ح ۴۵۳۰) که نشان‌دهنده رسیدن به اوج یگانگی و همدلی در یک رابطه است.

«همدلی» به عنوان یکی از مؤلفه‌های کلیدی در دوستی، به معنای درک عمیق شرایط، نیازها و احساسات دوست و اقدام بر اساس آن است. این مفهوم، فراتر از همدردی صرف، در قالب ایشار و مقدم داشتن دوست بر خود به اوج می‌رسد. دوست حقیقی و همدل کسی است که با جان و مال خود از رفیقش محافظت می‌کند و او را بر خود، خانواده و عزیزانش ترجیح می‌دهد^۶ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ح ۲۰۱۴). آزمون واقعی دوستی و همدلی، در شرایط سخت و دشواری‌هاست^۷ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ح ۶۴۷۲)، آنجا که ماهیت واقعی افراد و عمق تعهدشان به رابطه آشکار می‌شود.

منطق زیربنایی همدلی، بر خلوص نیت و بی‌توجهی به منافع شخصی استوار است. هر دوستی و محبتی که بر پایه طمع و برای رسیدن به یک هدف مادی شکل گرفته باشد^۸ (ورام، ۱۳۶۹، ج ۱،

۱. «قال الباقر (ع): اعرف المودة لك في قلب أخيك بما له في قلبك»

۲. «قال الصادق (ع): يأتي على الناس زمان ليس فيه شيء أعز من أخ أنيس وكسب درهم خلال»

۳. «قال علي (ع): من فقد أخاً في الله فكأنما فقد أشرف أعضائه»

۴. «قال رسول الله (ص): إذا أحب أحدكم أخاه فليعلمه؛ فإنه أصلح لذات البين»

۵. «قال علي (ع): تحبب إلى خليلك محبوبك وأكرمه بكرمك وأثره على نفسك يؤثر على نفسه وأهله»

۶. «قال علي (ع): أخوك الصديق من وقاك بنفسه وأثره على ماله وولده وعرضه»

۷. «قال علي (ع): في المودة يختبر الصديق»

۸. «قال علي (ع): كل مودة عقدتها الظمغ خلها اليأس»

ص ۷۲)، فاقد اصالت بوده و با پایان یافتن آن منفعت، به سرعت از هم می‌پاشد. روایات با نگاهی واقع‌بینانه، هشدار می‌دهند که انتظار ایثار مطلق و همیشگی از دوست، امری است که به نارضایتی و سخط دائمی منجر می‌شود^۱ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۴، ص ۱۸۰)، اما درعین حال، همراهی با کسانی که در زمان نعمت خیانت می‌ورزند و در هنگام بخشش منت می‌گذارند، به هیچ‌وجه توصیه نمی‌شود. در نهایت، همدلی در سطح کلان جامعه مؤمنان نیز معنا می‌یابد، آنجا که مؤمنان نسبت به یکدیگر خیرخواه و مهربان هستند و همچون اعضای یک پیکر، حامی و پشتیبان هم محسوب می‌شوند.

صداقت، در منظومه روابط اسلامی، نه صرفاً راست‌گویی که گوهر و شاکله اصلی یک دوستی پایدار و حقیقی است، بلکه این مؤلفه، یک ارزش بنیادین است که فقدان آن، دوستی را از معنا تهی ساخته و آن را به ورطه شقاوت و تیره‌بختی می‌کشاند^۲ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ح ۹۲۹۷). محک غایی و معیار نهایی برای سنجش صداقت یک دوست، نه در حضور او که در غیاب او و در حفظ حریم و آبروی دوستش تجلی می‌یابد^۳ (شریف رضی، ۱۴۱۴ق، نامه ۳۱). بر این اساس، هر رابطه‌ای که بر بنیان‌های سست و گذرای چون طمع و منفعت محوری بنا شده باشد، فاقد اصالت بوده و با از میان رفتن آن منافع، بی‌شک فرو خواهد پاشید^۴ (ورام، ۱۳۶۹، ج ۱، ص ۷۲). در مقابل، یافتن دوستی که در گفتار و کردار صادق باشد، موهبتی الهی و نعمتی گران‌بها به‌شمار می‌آید که باید قدر آن را دانست^۵ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ح ۹۲۴۷). در آسیب‌شناسی روابط، فقدان صداقت منشأ اصلی فروپاشی دوستی‌ها معرفی شده است. عواملی همچون خیانت و غدر^۶ (لیثی واسطی، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۵۳۳)، گوش سپردن به سخن‌چینان^۷ (شریف رضی، ۱۴۱۴، حکمت ۲۳۹) و همنشینی با افراد دروغ‌گو^۸ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ح ۲۶۹۲)، موریانه‌های ویرانگری هستند که ریشه اعتماد و صداقت را می‌خشکانند. روایات، با ترسیم چهره «شرّ اخوان» یا بدترین دوستان، به روشنی مصادیق بی‌صداقتی را مشخص

۱. «قال الصادق عليه السلام: مَنْ لَمْ يَرْضَ مِنْ صَدِيقِهِ إِلَّا الْإِثَارَ عَلَى نَفْسِهِ دَامَ سَخَطُهُ»

۲. «قال علي عليه السلام: مِنْ عَلَامَةِ الشَّقَاءِ غُشُّ الصَّدِيقِ»

۳. «قال علي عليه السلام: الصَّدِيقُ مَنْ صَدَقَ غَيْبُهُ»

۴. «قال علي عليه السلام: كُلُّ مَوَدَّةٍ عَقَدَهَا الظَّمْعُ حَلَّهَا الْيَأْسُ»

۵. «قال علي عليه السلام: مِنَ الْيَعْمِ الصَّدِيقُ الصَّدُوقُ»

۶. «قال علي عليه السلام: لَا يَدُومُ مَعَ الْغَدْرِ صُحْبَةُ خَلِيلٍ»

۷. «قال علي عليه السلام: مَنْ أَطَاعَ التَّوَانِي صَبَّحَ الْحَقُّوقَ، وَمَنْ أَطَاعَ الْوَأَشِي صَبَّحَ الصَّدِيقَ»

۸. «قال علي عليه السلام: اجْتَنِبْ مُصَاحَبَةَ الْكَذَّابِ»

می کنند. دوستی که با تملق و ریاکاری چهره‌ای غیر واقعی از خود نشان می‌دهد^۱ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۲۹۴)، فرد را بر امور باطل تأیید می‌کند^۲ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ح ۵۶۹۰) و با فریفتن او به هواهای نفسانی و دنیوی، مسیر او را به تباهی می‌کشاند؛ از این‌رو تمایز میان دوست صادق و دشمن، در توانایی عبور از این ظواهر فریبنده و تشخیص صدق درونی او نهفته است.

مفهوم «حمایت» در فرهنگ اسلامی، ابعادی فراتر از یک همیاری ساده داشته و به عنوان جوهره و کارکرد اصلی دوستی و اخوت تعریف می‌شود. دوستان حقیقی، مأمن و پناهگاهی هستند که فرد در سایه‌سار وجودشان آرامش می‌یابد. ارزش این حمایت دوسویه به قدری بالاست که در بزنگاه‌های سخت زندگی همچون سرمایه‌ای گران‌بها و زینتی در دوران آسایش رخ می‌نماید^۳ (دبلی، ۱۴۰۸ق، ص ۲۰) و حتی از هر ابزار و امکان دیگری برتر شمرده می‌شود^۴ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ح ۱۶۶۹). بر اساس این نگرش، آزمون واقعی صداقت و عمق یک رابطه، در لحظات سختی و ناتوانی است، آنگاه که قدرت و توانایی فرد زایل می‌شود، چهره دوست واقعی از دشمن ریاکار باز شناخته می‌شود^۵ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ح ۶۲۱۴). اهمیت وجود چنین دوست حمایتگری تا بدانجاست که در روز قیامت، انسان بی‌پناه، فقدان را فریاد می‌زند و آن را هم‌ردیف شفیعان الهی می‌داند^۶ (شعراء: ۱۰۰ و ۱۰۱). منطق حمایتی که در روایات تبیین می‌شود، یک حمایت فعال، همه‌جانبه و مسئولانه است. این حمایت، نه تنها در قالب گرگشایی از مشکلات مادی و معنوی دوست و بی‌نیاز ساختن او از دیگران^۷ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ح ۶۷) تجلی می‌یابد، بلکه در سطحی عمیق‌تر، شامل حمایت در مسیر حق و اصلاح اشتباهات او نیز می‌شود. یاری رساندن به دوست، حتی اگر در جایگاه ظالم قرار گرفته باشد، یک وظیفه است، البته این یاری نه با تأیید ظلم او، بلکه با بازداشتن قاطعانه او از خطا محقق می‌گردد^۸ (پاینده، ۱۳۸۲، ص ۶۶۵). در مقابل، دوستی که فرد را

۱. «قال علیؑ: شُرُّ إِخْوَانِكَ الْغَاشُّ الْمُدَاهِنُ»

۲. «قال علیؑ: شُرُّ إِخْوَانِكَ مَنْ أَرْضَاكَ بِالْبَاطِلِ»

۳. «قال رسول الله ﷺ: عَلَيْكَ بِإِخْوَانِ الصَّدِّيقِ تَعِشْ فِي أَكْنَفِهِمْ؛ فَإِنَّهُمْ زِينَةٌ فِي الرِّخَاءِ، وَوَعْدَةٌ فِي الْبَلَاءِ»

۴. «قال علیؑ: الصَّدِّيقُ أَفْضَلُ الدُّخْرَيْنِ»

۵. «قال علیؑ: عِنْدَ زَوَالِ الْفُتْرَةِ يَتَبَيَّنُ الصَّدِّيقُ مِنَ الْعَدُوِّ»

۶. «فَمَا لَنَا مِنْ شَافِعِينَ * وَلَا صَدِيقٍ حَمِيمٍ»

۷. «قال علیؑ: خَيْرُ إِخْوَانِكَ مَنْ وَاسَاكَ بِخَيْرِهِ وَخَيْرَ مَنْعِهِ مِنْ أَعْنَاكَ عَنْ غَيْرِهِ»

۸. «قال رسول الله ﷺ: لَيَنْصُرَنَّ الرَّجُلُ أَخَاهُ ظَالِمًا أَوْ مَظْلُومًا إِنْ كَانَ ظَالِمًا فَيَنْهِيهِ فَإِنَّهُ لَهُ نَصْرَةٌ وَإِنْ كَانَ مَظْلُومًا فَيَنْصُرُهُ»

در مسیر رشد معنوی یاری نکرده و او را به سوی هدایت رهنمون نسازد^۱ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ح ۸۱)، نه تنها حامی نیست، بلکه همراهی اش وبال و مایه خسران خواهد بود. از این منظر، حمایت حقیقی، ترکیبی از پشتیبانی عاطفی، مادی و هدایتگری معنوی است که دوستی را به کمال می‌رساند.

«سازگاری» در ادبیات روایی، یک فضیلت اخلاقی منفعلانه نیست، بلکه یک مهارت کنشگرانه و خردمندانه برای حفظ و تعالی روابط دوستانه است. اساس این مؤلفه بر پذیرش واقعیت نقص و کاستی در سرشت انسان بنا شده است؛ از این رو جست‌وجوی دوستی بی‌عیب و نقص^۲ (دیلمی، ۱۴۰۸ق، ص ۳۰۴) تلاشی بیهوده تلقی می‌شود که سرانجامی جز انزوا و تنهایی ندارد. بنابراین سازگاری حقیقی، در توانایی اغماض و چشم‌پوشی از لغزش‌های ناگزیر دوست^۳ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ح ۳۶۴۵) و پرهیز از خرده‌گیری و موشکافی‌های وسواس‌گونه^۴ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ح ۸۷۷۲) معنا می‌یابد. این رویکرد تا آنجا اهمیت می‌یابد که «مدارا کردن با دوستان» یکی از نشانه‌های عقل و خرد معرفی شده است^۵ (صدوق، ۱۳۷۶، ص ۳۵۸). برای تحقق این سازگاری، روایات یک

دستورالعمل عملی و دقیق ارائه می‌دهند که شامل رفتارهای ایجابی و سلبی است. در بُعد ایجابی، فرد موظف است در برابر تندی دوست، نرمی پیشه کند، در هنگام قهر او، پیش‌قدم وصل باشد و لغزش‌هایش را نادیده بگیرد تا رشته محبت پایدار بماند^۶ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ح ۴۵۸۴). در بُعد سلبی نیز، باید از نقدهای ویرانگر^۷ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۸، ص ۲۲۹) و قهر و هجران طولانی مدت پرهیز کرد، حتی در صورت تصمیم به قطع رابطه، شایسته است راهی برای بازگشت و آشتی باقی گذاشته شود^۸ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۴، ص ۱۶۸). در نهایت، بهترین دوست کسی است که میزان وفاق و هم‌نوایی او بسیار بیشتر از شقاق و ناسازگاری اش باشد^۹ (ورام، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۱۲۳). این نشان



۱. «قال علیؑ: خیر إخوانك من دلك علی هدی وأكسبك تقی وصدك عن إتباع هوی»

۲. «قال الصادقؑ: من لم یؤاخ إلا من لا عیب فیهِ قل صدیقُهُ»

۳. «قال علیؑ: إن أخاك حقاً من غفر ذلک وسدّ خلک وقبّل غدرک وسرّ عورتک ونفی وجلك وفق أملك»

۴. «قال علیؑ: من ناقش الإخوان قل صدیقه»

۵. «قال الرضاؑ: عند ما سئل عن العقلي: التّجشُّع للغصّة، ومُداهنّة الأعداء، ومُداواة الأصدیاء»

۶. «قال علیؑ: تناس مساوئ الإخوان تستدم ودهم»

۷. «قال الصادقؑ: الاستیصاء فرقة، الانتیقاؤ عداوة»

۸. «قال علیؑ: إن أردت قطیعة أخیک فاستبقی له من نفیسك بقیة یرجع إلیها إن بدا له ذلک یوما ما»

۹. «قال رسول الله ﷺ: خیر الأصبحاب من قلّ شقاقه وكثّر وفاءه»

می‌دهد که سازگاری، محصول یک تلاش آگاهانه برای مدیریت تعارضات و تقویت نقاط مشترک است. مؤلفه «امین بودن» و «اعتماد متقابل» در منظومه دوستی به مثابه ستون فقراتی است که پایداری و عمق رابطه بر آن استوار است. روایات، با تأکیدی هوشمندانه، میان محبت و اعتماد مطلق تمایز قائل می‌شوند؛ درحالی‌که فرد باید نهایت مودت و محبت را به دوست خود ابراز کند، اما در وادی اعتماد باید جانب احتیاط را نگاه دارد و تمام اسرار خود را فاش نسازد^۱ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۴، ص ۱۶۵). این رویکرد، نه از روی بدبینی، که برخاسته از یک واقع‌گرایی خردمندانه است که احتمال لغزش و تغییر در روابط انسانی را در نظر می‌گیرد و هشدار می‌دهد که سقوط ناشی از اعتماد بی‌حدومرز جبران‌ناپذیر است^۲ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۴، ص ۱۷۳). منطق حاکم بر این مؤلفه، یک نظام اولویت‌بندی شده برای حفظ اسرار است. بر این اساس، اعتماد امری تدریجی و اکتسابی است که باید پس از آزمون و شناخت حاصل شود^۳ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ح ۱۰۲۵۷). در این میان، دایره اعتماد محدودتر از دایره دوستی است. انسان می‌تواند دوستان بسیاری داشته باشد، اما رازدار او باید تنها یک فرد برگزیده و مورد وثوق باشد^۴ (ابن‌ابی‌الحدید، ۱۳۷۸، ج ۲۰، ص ۳۲۴). معیار اساسی برای سپردن یک راز به دوست این است که آن راز به گونه‌ای باشد که حتی اگر دشمن از آن آگاه شود، زبانی متوجه فرد نگردد. در مقابل، خیانت در این اعتماد، از طریق غش و غدر در دوستی^۵ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ح ۲۹۱) ردیلتی نابخشودنی و نقض پیمان اخوت به‌شمار می‌آید.

مؤلفه «صبر» در دوستی، به معنای ظرفیت بالای روحی و تحمل خردمندانه برای مدیریت ناملایمات و لغزش‌های ناگزیر در یک رابطه انسانی است. این صبر، یک فضیلت فعال و سازنده است که از فروپاشی روابط در برابر کوچک‌ترین تنش‌ها جلوگیری می‌کند. اساس این رویکرد بر این اصل استوار است که انسان‌ها معصوم نبوده و در مسیر دوستی، بروز خطا و اشتباه امری طبیعی است. بنابراین انتظار یک رابطه بی‌نقص و عاری از هرگونه لغزش، انتظاری غیرواقع‌بینانه است. از این رو یکی از مهم‌ترین آزمون‌های شناخت دوست واقعی، بررسی رفتار او در هنگام خشم است.

۱. «قال علیؑ: ایذِلْ لِصَدِیقِكَ کُلَّ المَوْدَّةِ وَلَا تَبْذِلْ لَهُ کُلَّ الظَّمَانِینَةِ وَأَعْطِهِ کُلَّ المُوَاسَاةِ وَلَا تُفْضِ إِلَیْهِ بِکُلِّ الأسْرِارِ: توفی الحِکْمَةَ حَقَّهَا، وَالصَّدِیقَ وَاجِبَهُ»
۲. «قال الصادقؑ: لَا تَثِیقْ بِأَخِیکَ کُلَّ الثِّقَّةِ؛ فَإِنَّ صِرْعَةَ الإِسْتِرسَالِ لَنْ تُسْتَقَالَ»
۳. «قال علیؑ: لَا تَثِیقْ بِالصَّدِیقِ قَبْلَ الخُبْرَةِ»
۴. «قال علیؑ: لَیْکُنْ أَصْدِقَاؤُکَ کَثِیرًا وَاجْعَلْ سِرَّکَ مِنْهُمْ إلی وَاحِدٍ»
۵. «قال علیؑ: غش الصّدیق والغدر بالمواثیق من خیانة العهد»

اگر فردی پس از سه بار عصبانیت، همچنان زبان به بدی و ناسزا نگشاید^۱ (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۳۶۸)، شایسته دوستی است. منطق صبر در روابط، بر یک نظام آزمون و ارزیابی دقیق استوار است. پیش از آنکه کسی را «صدیق» بنامیم، باید او را در سه موقعیت کلیدی بیازماییم: در هنگام خشم، تا ببینیم آیا عصبانیت او را از حق به باطل می‌کشاند یا نه؛ در تعاملات مالی (دینار و درهم)؛ و در سختی‌های سفر. عبور موفقیت‌آمیز از این آزمون‌هاست که می‌تواند شایستگی فرد را برای یک دوستی عمیق اثبات کند. در مقابل، صفاتی همچون خودپسندی، بداخلاقی و کم‌صبری^۲ (صدوق، ۱۳۶۲، ص ۱۴۷) موانع بنیادینی هستند که شکل‌گیری و استمرار هرگونه رابطه سالمی را ناممکن می‌سازند. بنابراین صبر، نه تنها به معنای تحمل خطای دوست^۳ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۷، ص ۴۱۹)، بلکه به معنای خویشتن‌داری در برابر ناملایمات و قضاوت‌های عجولانه است که قوام و دوام دوستی را تضمین می‌کند.

«فروتنی» در عرصه روابط دوستانه، کلید اصلی جلب محبت و شرط لازم برای پایداری و عمق بخشیدن به دوستی‌هاست. این فضیلت اخلاقی به مثابه بذری است که میوه شیرین محبت را به بار می‌آورد^۴ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ج ۴۶۱۳) و زمینه را برای ایجاد و گسترش پیوندهای انسانی هموار می‌سازد. در مقابل، تکبر و خودبزرگ‌بینی، سمی مهلک برای روابط است که هرگونه امکان شکل‌گیری دوستی صمیمانه را از بین می‌برد^۵ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ج ۷۴۶۴). فرد متکبر، با برتر دیدن خود و استهزای دیگران، خود را از دریافت محبت خالصانه و دوستی صادقانه محروم می‌کند و در نهایت به انزوای عاطفی محکوم می‌شود^۶ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۵، ص ۱۴۴). منطق این مؤلفه بر یک رابطه علت و معلولی روشن استوار است: تواضع، جاذبه می‌آفریند و تکبر، دافعه. روایات با ظرافت، رفتارهای متکبرانه و آفت‌زا را در روابط دوستانه مشخص می‌کنند، از جمله این رفتارها، ایجاد تکلف و زحمت برای دوست^۷ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۴، ص ۱۶۵)، جدال و

۱. «قال الصادق عليه السلام: مَنْ غَضِبَ عَلَيْكَ مِنْ إِخْوَانِكَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ فَلَمْ يَقُلْ فِيكَ مَكْرُوهًا فَأَعَدَّهُ لِتَنْفِيكَ»

۲. «قال علي عليه السلام: إِيَّاكَ وَالْعُجْبَ وَسُوءَ الْخُلُقِ وَقِلَّةَ الصَّبْرِ فَإِنَّهُ لَا يَسْتَقِيمُ لَكَ عَلَى هَذِهِ الْخِصَالِ الثَّلَاثِ صَاحِبٌ وَلَا يَزَالُ لَكَ عَلَيْهَا مِنَ النَّاسِ مُجَازِبٌ»

۳. «قال علي عليه السلام: إِحْتِمَالُ زَلَّةٍ وَلَيْلِكَ لَوْقَتٍ وَثَبَّةٍ عَدُوِّكَ»

۴. «قال علي عليه السلام: ثَمَرَةُ التَّوَّاضُعِ الْمَحَبَّةُ، ثَمَرَةُ الْكِبَرِ الْمَسَبَّةُ»

۵. «قال علي عليه السلام: لَيْسَ لِمُنْكَبِرٍ صَدِيقٌ»

۶. «قال الصادق عليه السلام: لَا يَطْمَعَنَّ ذُو الْكِبَرِ فِي الثَّنَاءِ الْحَسَنِ» «قال الصادق عليه السلام: لَا يَطْمَعَنَّ الْمُسْتَهْزِئُ بِالنَّاسِ فِي صَدَقِ الْمَوْدَةِ»

۷. «قال علي عليه السلام: شَرُّ الْإِخْوَانِ مَنْ تُكَلِّفُ لَهُ»

فخر فروشی^۱ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۸، ص ۲۹۱) و اصرار بر اثبات برتری خود است که همگی ریشه در کبر دارند و صمیمیت را نابود می‌سازند. در مقابل، فروتنی در قالب رفتارهای ساده و بی‌پیرایه‌ای همچون گشاده‌رویی و عدم تحمیل خود به دیگران، مجال تنفس و رشد را برای یک رابطه سالم فراهم می‌آورد. به بیان دیگر، فروتنی فضایی امن و بدون قضاوت ایجاد می‌کند که در آن، دوستی می‌تواند شکوفا شود و پایدار بماند.

«سخاوت» در فرهنگ دوستی اسلامی، صرفاً یک فضیلت فردی نیست، بلکه یکی از ارکان سه‌گانه و نیازهای اساسی در روابط برادرانه، در کنار انصاف و ترحم به‌شمار می‌آید^۲ (ابن‌شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۳۲۲). این مؤلفه، تجلی عملی محبت و شاخصی برای سنجش عمق و اصالت یک رابطه است. فقدان سخاوت و غلبه خصلت بخل و تنگ‌نظری، به‌طور مستقیم اخوت و دوستی را تباه می‌سازد و مانع از شکل‌گیری هرگونه پیوند محبوبی می‌شود^۳ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ج ۷۴۷۳). از این منظر، دوستی که در امور مادی ضنین و بخیل است، نمی‌تواند خیری برای همراه خود داشته باشد^۴ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ج ۱۰۷۱۱). منطق حاکم بر این مؤلفه، مبتنی بر اصل بذل و بخشش متقابل به‌عنوان نمود خارجی مودت قلبی است. چگونه می‌توان ادعای محبت کامل به دوستی را داشت؛ درحالی‌که از بخشیدن قسمتی از داشته‌های خود به او دریغ می‌ورزیم؟^۵ (ابن‌شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۵۰۶). سخاوت حقیقی، نه تنها در بذل مال در جایگاه شایسته آن، بلکه در اِثَار و گشاده‌دستی همه‌جانبه تجلی می‌یابد^۶ (ابن‌شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۲۱۲). هدیه دادن، به‌عنوان یکی از مصادیق زیبای سخاوت، وسیله‌ای برای ایجاد محبت، تجدید پیوند اخوت و زدودن کینه‌ها معرفی شده است. در نهایت، سخاوت در کنار ورع و حلم، از پایه‌های شخصیتی است که موجب کثرت دوستان و پایداری روابط می‌گردد.

«حسن خلق» به‌عنوان یک مؤلفه جامع و فراگیر، زیربنای اصلی شکل‌گیری، تثبیت و دلپذیری

۱. «قال الصادق (ع): إِنْ أَرَدْتَ أَنْ يَصْفُوكَ وَدَأْخِيكَ فَلَا تُمَارِجَهُ وَلَا تُبَاهِيَهُ وَلَا تُبَاهِيَهُ وَلَا تُشَارِكُهُ»

۲. «قال الصادق (ع): تَحْتَاجُ الْإِخْوَةَ فِيمَا بَيْنَهُمْ إِلَى ثَلَاثَةِ أَشْيَاءَ، فَإِنْ اسْتَعْمَلُوهَا وَالْأَبْيَانُ وَتَبَاعُضُوا وَهِيَ: التَّنَاضُفُ وَالتَّرَاضُحُ وَتَفْقِي الْحَسَدِ»

۳. «قال علي (ع): لَيْسَ لِبَخِيلٍ حَبِيبٌ»

۴. «قال علي (ع): لَا خَيْرَ فِي صَدِيقٍ ضَنِينٍ»

۵. «عيسى (ع): كَيْفَ يَسْتَكْمِلُ حُبَّ خَلِيلِهِ مَنْ لَا يَبْذُلُ لَهُ بَعْضَ مَا عِنْدَهُ؟»

۶. «قال علي (ع): ابْذِلْ لِأَخِيكَ ذِمَّتَكَ وَمَالَكَ وَلِعْدُوكَ عَدْلَكَ وَإِنْصَافَكَ وَلِلْعَامَّةِ بِشْرَكَ وَإِحْسَانَكَ»

روابط دوستانه است. این ویژگی، نه یک رفتار مقطعی، بلکه یک ملکه نفسانی است که خود را در گشاده‌رویی^۱ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ح ۱۰۹۱)، نرم‌خویی، کلام نیکو و رفتار کریمانه نشان می‌دهد. حسن خلق به مثابه یک نیروی جاذبه عمل می‌کند که موجب انس و الفت میان دوستان^۲ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ح ۴۲۰۰) و افزایش تعداد دوستان و کاهش دشمنان می‌شود^۳ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ح ۶۲۳۱). در مقابل، سوء خلق و بداخلاقی، آفتی است که هر دوستی را می‌رماند و هر رفیقی را به جدایی وامی‌دارد^۴ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ح ۸۷۷۳). منطق حاکم بر این مؤلفه، بر اصل «جذابت ذاتی نیکی» استوار است. معاشرت با افراد خوش خلق، ذاتاً خوشایند و مطلوب است و به همین دلیل، زمینه را برای تعمیق روابط فراهم می‌کند. روایات با ارائه دستورالعمل‌های عملی، مسیر کسب حسن خلق در دوستی را روشن می‌سازند. سلام کردن هنگام ملاقات، گشاده‌دستی در گشودن جا در مجلس، و صدا زدن دوست با محبوب‌ترین نام‌هایش، سه رفتاری هستند که مودت را خالص و پایدار می‌گردانند. در مقابل، معاشرت با افراد فرومایه و پست، و همراهی با کسانی که دچار عجب و کم‌صبری هستند، به شدت نهی شده است^۵ (صدوق، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۵۲۷)؛ زیرا این همشینی‌ها جز شر و انزوا ثمری ندارند و مانع از تحقق یک رابطه سالم و مبتنی بر احترام متقابل می‌شوند.

«انصاف» یکی از ارکان سه‌گانه و ضروری برای پایداری اخوت و دوستی، در کنار ترحم و بخشش معرفی شده است. این مؤلفه به معنای رعایت عدالت و مساوات در حقوق و وظایف متقابل است و فقدان آن، هرگونه امکانی برای تداوم یک رابطه سالم را از بین می‌برد. دوستی که بر پایه انصاف بنا شده باشد، از گزند بسیاری از آفات و اختلافات در امان می‌ماند و استمرار می‌یابد^۶ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ح ۹۷۳۶). درحقیقت، انصاف به مثابه روغنی است که چرخ‌های تعاملات دوستانه را روان کرده و از اصطکاک و فرسایش آن جلوگیری می‌کند. منطق این مؤلفه بر اصل جهان‌شمول «آنچه برای خود می‌پسندی برای دیگران نیز بپسند» استوار است. در جامعه ایمانی، مسلمان برادر مسلمان است، نه به او ظلم می‌کند، نه او را در سختی‌ها تنها می‌گذارد و نه او را

۱. «قال علیُّ علیه السلام: عَلَیْكَ بِالنَّشَاشَةِ فَإِنَّهَا حَبَالَةُ الْمَوَدَّةِ»

۲. «قال علیُّ علیه السلام: بِحُسْنِ الْعِشْرَةِ تَدُومُ الْمَوَدَّةُ»

۳. «قال علیُّ علیه السلام: عَوِدْ لِسَانَكَ لِبَیْنِ الْكَلَامِ وَبَذَلِ السَّلَامَ، يَكْثُرُ مُحِبُّوكَ وَيَقَلُّ مُبْغِضُوكَ»

۴. «قال علیُّ علیه السلام: مَنْ سَاءَ خُلُقُهُ قَلَاةٌ مُصَاحِبُهُ وَزَفِيقُهُ»

۵. «قال الصادق علیه السلام: إِتَاكَ وَمُخَالَطَةُ السَّفِيلَةِ: فَإِنَّ السَّفِيلَةَ لَا تَوُودُ إِلَى خَيْرٍ»

۶. «قال علیُّ علیه السلام: مَعَ الْإِنْصَافِ تَدُومُ الْأُخُوَّةُ»

تحقیر می‌نماید^۱ (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۶۷). این قاعده، بنیان انصاف در روابط است. فرد منصف، به دلیل رعایت حقوق دیگران، از دوستان و یاوران بسیاری برخوردار خواهد بود^۲ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ج ۲۱۶). در مقابل، انتقادگری مداوم و خرده‌گیری‌های بیجا («الاستقصاء فرقة، الانتقاد عداوة») که نقطه مقابل انصاف و مدارا هستند، به‌طور مستقیم به جدایی و دشمنی منجر می‌شوند و رشته‌های الفت را از هم می‌گسلند^۳ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۸، ص ۲۲۹). «پایداری» به‌عنوان یکی از ارزش‌های محوری در دوستی، بر استمرار و ثبات قدم در حفظ و تعمیق روابط تأکید دارد، حتی در مواجهه با سختی‌ها و اختلافات. این مؤلفه، دوستی را یک تعهد بلندمدت می‌داند که نباید با بروز اولین مانع یا کدورت، به سادگی رها شود. بهترین دوستان کسانی هستند که فقدانشان چنان سنگین است که زندگی پس از آنها لطفی ندارد^۴ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ج ۵۰۱۸). این بیان، اوج ارزش و اهمیت یک دوستی پایدار را نشان می‌دهد. بر این اساس، نباید به سادگی و حتی در صورت مشاهده جفا از سوی دوست، رشته محبت را قطع کرد^۵ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ج ۱۰۱۹۶). منطق پایداری بر اصالت و وفاداری به پیمان اولیه دوستی استوار است. دوست واقعی کسی است که انسان را از باطل بازمی‌دارد و یاور او در مسیر خیر و احسان است^۶ (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ج ۲۰۷۸). این همراهی باید در مسیر انتخاب‌های بنیادین زندگی نیز جاری باشد. انسان در آخرت با کسی محشور خواهد شد که در دنیا او را دوست داشته و همراهی کرده است، لذا باید بهترین همراهان را برگزید^۷ (طوسی، ۱۴۰۳ق، ص ۶۳۲). در مقابل، بی‌ثباتی و همنشینی با افراد ناصالح، موجب ندامت و پشیمانی عمیق در روز قیامت خواهد شد^۸ (فرقان: ۲۸). بنابراین پایداری در دوستی‌های ارزشمند، ضامن سعادت دنیوی و اخروی انسان است.

این پژوهش نیز مانند هر تحقیق دیگری با محدودیت‌هایی مواجه بود: از محدودیت‌های این

۱. «قال الصادق عليه السلام: المسلم أخو المسلم لا يظلمه ولا يخذله ولا يغتابه ولا يخنونه ولا يحرمه»

۲. «قال علي عليه السلام: المُنصف كثير الأولياء والأصدقاء»

۳. «قال الصادق عليه السلام: الاستقصاء فرقة، الانتقاد عداوة»

۴. «قال علي عليه السلام: خير الإخوان من إذا فقدته لم تحب البقاء بعده»

۵. «قال علي عليه السلام: لا تقطع صديقا وإن كفر»

۶. «قال علي عليه السلام: الصديق من كان ناهيا عن الظلم والغدوان، موعينا على البر والإحسان»

۷. «أبو ذرٍّ: قلت: يا نبي الله، إني أحب أقواما ما أبلغ أعمالهم. فقال: يا أبا ذرٍّ، المرء مع من أحبَّ وله ما اكتسب. قلت: فإني أحب الله ورسوله وأهل بيته. قال: فإني مع من أحببت»

۸. «يا وائلتي ليتني لم ألتزم فلانا خليلا»

پژوهش، منابع مستندات بود که در میان منابع حدیثی، صرفاً منابع شیعی بررسی شد و منابع عامه در حیطه پژوهش وارد نشد. پیشنهادهای کاربردی (برای متخصصان سلامت روان): طراحی بسته‌های آموزشی؛ روان‌شناسان و مشاوران می‌توانند بر اساس این ۱۹ مؤلفه، کارگاه‌ها و بسته‌های آموزشی مهارت‌های دوست‌یابی و حفظ روابط سالم را برای نوجوانان و جوانان طراحی کنند؛ همچنین پیشنهاد می‌شود که این موضوع در منابع حدیثی فریقین بررسی شود و آثار و روایات عامه هم در این مسئله مورد بررسی قرار گیرد.

منابع

قرآن کریم.

طباطبایی، سیدمحمدکاظم (۱۳۸۳). منطق فهم حدیث. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه.
عباسی، مهدی (۱۳۹۷). تدوین مدل مفهومی و طرح‌نمای درمانی لذت‌بری سعادت‌نگر بر اساس منابع اسلامی در نشانگان افسردگی. پایان‌نامه دکتری روان‌شناسی. مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رحمته الله علیه.

محدثی، محمد (۱۳۹۳). روان‌شناسی سلامت. تهران: سمت.

محمدپور، احمد (۱۳۹۸). ضد روش: زمینه‌های فلسفی و رویه‌های عملی در روش‌شناسی کیفی. قم: لوگوس.

مدرسی، محمد (۱۳۸۴). روان‌شناسی اسلامی. تهران: سمت.

مطهری، مرتضی (۱۳۷۸). تعلیم و تربیت. تهران: مروج.

تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۳۶۶). غررالحکم و دررالکلم. تهران: دانشگاه تهران.

ابن ابی‌الحدید، عبدالحمید بن هبة‌الله (۱۳۷۸). شرح نهج البلاغه. بیروت: دار الکتب العلمیه.

طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۱). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: مؤسسه اسماعیلیان.

برقی، احمد بن محمد (۱۳۷۱). المحاسن. قم: دار الکتب الإسلامیه.

دیلمی، حسن بن محمد (۱۴۰۸ق). إعلام‌الدین فی صفات المؤمنین. قم: آل‌البيت عليهم‌السلام.

دیلمی، حسن بن محمد (۱۴۱۲ق). إرشاد القلوب. قم: شریف رضی.

حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹). وسائل‌الشیعه. قم: مؤسسه آل‌البيت عليهم‌السلام.

ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ق). تحف‌العقول. قم: مؤسسه نشر اسلامی.



- شریف رضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ق). نهج البلاغه. قم: هجرت.
- صدوق، محمد بن علی (۱۳۶۲). الخصال. قم: جامعه مدرسين.
- صدوق، محمد بن علی (۱۳۷۶). الأمالی. تهران: کتابچی.
- صدوق، محمد بن علی (۱۳۷۸). عیون أخبار الرضا علیه السلام. تهران: جهان.
- صدوق، محمد بن علی (۱۳۸۳). علل الشرائع. قم: مكتبة الحیدریه.
- صدوق، محمد بن علی (۱۴۰۲ق). مصادقة الإخوان. قم: مكتبة طباطبائی.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۳ق). الأمالی. قم: دار الثقافة.
- اربلی، علی بن عیسی (۱۴۲۱ق). كشف الغمة فی معرفة الأئمة. بیروت: دار الأضواء.
- قمی، عباس (۱۴۱۴ق). سفينة البحار. قم: دار الأسوة.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). الکافی. تهران: دار الكتب الإسلامية.
- ورام بن ابی فراس، مسعود بن عیسی (۱۴۱۰ق). تنبيه الخواطر و نزهة النواظر. قم: مكتبة الفقيه.
- پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۲). نهج الفصاحه. تهران: دنیای دانش.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- لیثی واسطی، ابوالحسن (۱۳۸۷). عیون الحكم و المواعظ. تهران: مؤسسه البعثة.
- ورام بن ابی فراس، مسعود بن عیسی (۱۳۶۸). تنبيه الخواطر و نزهة النواظر. بیروت: دار الكتب الاسلامیه.
- نیشابوری، مسلم بن حجاج (۱۳۳۴ق). صحیح مسلم. استانبول: دار الطباعة العامره.
- Arroyo, C. G. & Ziegler, E. (1995). The effects of peer-oriented and academically oriented classrooms on the school adjustment of Latino children. *Journal of Educational Psychology*, 87(3), 413-424.
- Grusec, J. E. & Lytton, H. (1988). *Social development: History, theory, and research*. Springer-Verlag.
- Harris, J. R. (2009). *The nurture assumption: Why children turn out the way they do*. Free Press.
- Hartup, W. W. (1996). The company they keep: Friendships and their developmental significance. *Child Development*, 67(1), 1-13.
- Hsieh, Hsiu-Fang & Shannon, Sarah E. (2005). Three approaches to qualitative content analysis. *Qualitative health research*, 15(9), 1277-1288

- Rubin, K. H. (2009). *Peer relationships in childhood*. In R. M. Lerner & L. Steinberg (Eds.), *Handbook of developmental psychology* (p. 217-282). Wiley.
- Smith, P. K. & Hart, C. H. (Eds.) (2002). *Blackwell handbook of childhood social development*. Blackwell Publishing.
- Swann, W. B., Jr. & Bosson, J. K. (2010). *Self and identity*. In S. T. Fiske, D. T. Gilbert & G. Lindzey (Eds.), *Handbook of social psychology* (Vol. 1, 5th ed., p. 589-628). John Wiley & Sons.

